Urban Economics
Vol. 10, No. 1,(2025)
http://ue.ui.ac.ir
10.22108/ue.2025.142934.1298

اقتصاد شهری
دوره ۱۰، شماره ۱، توالی ۱۷، سال ۱٤۰٤
صص: ۷٦– ۵۳
مقاله پژوهشی

A Study on Local Creative Economy to Identify Types of Intervention in the Historical Area of Blue Mosque in Tabriz City

Ahad Nejad Ebrahimi[1*], Morteza Mirgholami[2], Aynaz Nahidi Azar[3], Elaheh Mokhtari[4]

[1] Professor of the Department of Architecture and Urban Planning, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran
[2] Professor of the Department of Architecture and Urban Planning, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran
[3] Student, Department of Architecture and Urban Planning, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran
[4] Student, Department of Architecture and Urban Planning, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

Abstract: Abstract: In recent years, the historic urban fabrics of many Iranian metropolises have encountered significant economic, social, and physical challenges, diminishing their role in the broader urban development process. This study seeks to develop a sustainable regeneration model centered on the creative economy, using the area surrounding the Blue Mosque of Tabriz as a case study. The research focuses on identifying the untapped potential of the local economy—including traditional crafts, small-scale businesses, historic marketplaces, and active community networks—as foundational elements for creative and context-sensitive regeneration. Employing a qualitative methodology and a descriptive-analytical approach, data were gathered through literature review, field observations, and expert consultations. The SWOT analytical framework was used to evaluate the strengths, weaknesses, opportunities, and threats related to the study area. Findings reveal that, despite the area's rich historical, cultural, economic, and geographic assets, decades of ineffective and fragmented urban interventions have hindered realizing its local economic potential in alignment with creative economy principles. As a result, the study proposes key strategies for regeneration, including urban place branding rooted in local identity, the development of cultural tourism based on endogenous resources, the adaptive reuse of underutilized spaces for creative functions, and support for traditional livelihoods and micro-enterprises. Ultimately, the research underscores that successful regeneration efforts must be underpinned by inclusive policymaking that prioritizes community participation, cultural awareness, and the strategic integration of local capacities into broader urban planning frameworks.
Key Words: Regeneration of Historical Context, Neighborhood-oriented Economic Development, Urban Creative Economy, Tabriz Blue Mosque Area.

مطالعه ای در اقتصاد خلاق محلی برای شناخت نوع مداخله در محیط پیرامون مسجد کبود شهر تبریز

احد، نژادابراهیمی[۱*]، مرتضی میرغلامی[۲]، آیناز ناهیدی‌آذر[۳]، الهه مختاری [٤]

[۱] استاد گروه معماری و شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران
[۲] استاد گروه معماری و شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران
[۳] کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران
[٤] کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

چکیده

در سال‌های اخیر، بسیاری از بافت‌های تاریخی شهری، به ویژه در کلان‌شهرهای ایران، با چالش‌هایی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی مواجه شده‌اند که سبب کم‌رنگ‌شدن نقش این مناطق در فرآیند توسعهٔ شهری شده است. پژوهش حاضر با هدف ارائهٔ یک الگوی بازآفرینی پایدار اقتصادی با تمرکز بر اقتصاد خلاق، به مطالعهٔ موردی بافت پیرامون مسجد کبود تبریز پرداخته است و این هدف با تأکید بر شناسایی

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی حمایت‌شده توسط صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور، با عنوان «راهکارهای بدیع توسعهٔ اقتصادی محلات تاریخی با رویکرد بازآفرینی جامع پایدار (نمونهٔ موردی: محلهٔ ویجویه تبریز)» است که توسط نگارندگان در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام شده است.

*** Corresponding Author**: Ahad Nejad Ebrahimi
E-mail address: ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir, m.mirgholami@tabriziau.ac.ir, ay.nahidiazar@tabriziau.ac.ir, el.mokhtari@tabriziau.ac.ir

2588-4867/ © 2025 University of Isfahan
This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/).

ظرفیت‌های اقتصاد محلی مانند صنایع دستی، مشاغل خرد، بازارهای سنتی و شبکه‌های اجتماعی فعال در محدودهٔ مورد مطالعه بود که با رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است و داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، برداشت‌های میدانی و تحلیل کارشناسی گردآوری شده‌اند و برای تحلیل داده‌ها از تکنیک SWOT استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد با وجود ظرفیت‌های ارزشمند تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی، مداخلات ناکارآمد سه دههٔ اخیر مانع از بالفعل‌شدن پتانسیل‌های اقتصاد محلی در راستای اقتصاد خلاق شده‌اند و راهکارهایی مانند برندسازی شهری با تکیه بر هویت محلی، توسعهٔ گردشگری فرهنگی مبتنی بر اقتصاد درون‌زای محله، بازتعریف کاربری‌های مرتبط با فعالیت‌های خلاق و پشتیبانی از مشاغل محلی، به عنوان محورهای اصلی بازآفرینی خلاق پیشنهاد شده‌اند. در نهایت، پژوهش تأکید می‌کند تحقق بازآفرینی موفق نیازمند سیاست‌گذاری‌هایی است که مشارکت شهروندان، نگاه فرهنگی و هماهنگی میان ظرفیت‌های بومی و برنامه‌ریزی شهری را در اولویت قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: بازآفرینی بافت تاریخی، توسعهٔ اقتصادی محله‌محور، اقتصاد خلاق شهری، محوطهٔ مسجد کبود تبریز.

مقدمه

تحولات اقتصادی قرن بیستم و گسترش دیدگاه‌های مبتنی بر اقتصاد فوردی، در کنار وابستگی به اقتصاد غیرمولد حاصل از درآمدهای نفتی، ساختار اقتصادی و اجتماعی بسیاری از شهرهای ایران را دگرگون کرده است. این وضعیت به ویژه در بافت‌های تاریخی شهری، به بروز چالش‌هایی همچون فرسودگی کالبدی، رکود عملکردی، کاهش سرمایهٔ اجتماعی و از بین رفتن پویایی جمعیتی منجر می‌شود (اطهاری، ۱۳۸۹). هم‌زمان با این تحولات، رویکردهایی مختلف در زمینهٔ بهسازی و ساماندهی بافت‌های شهری، مانند بازسازی، نوسازی، باززنده‌سازی، توسعهٔ مجدد و نهایتاً بازآفرینی، در طول قرن اخیر شکل گرفته‌اند. روند تکامل این رویکردها نشان‌دهندهٔ گذار از نگاه صرف کالبدی به رویکردهای چندبُعدی‌تری است که ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی را نیز در بر می‌گیرند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۹). ارزش‌های نهفته در بافت‌های تاریخی ماهیتی پیچیده و چندلایه دارند که صرفاً با مداخلات فیزیکی قابل احیا نیستند؛ از این رو، سیاست‌ها و راهبردهای مداخله در این گونه فضاها باید به گونه‌ای تدوین شوند که بتوانند به طور هم‌زمان به جنبه‌های مختلف هویت، عملکرد، پایداری و تعاملات اجتماعی پاسخ دهند. یکی از چالش‌های اساسی در این میان گسست میان بافت‌های تاریخی و نواحی جدید شهری است؛ پدیده‌ای که به زوال تدریجی این فضاها و تضعیف هویت شهری منجر شده است، در حالی که این بافت‌ها به واسطهٔ پیشینهٔ تاریخی و ظرفیت‌های فرهنگی - اجتماعی‌شان می‌توانند نقشی مهم در تقویت سرمایهٔ فرهنگی، ارتقای کیفیت زندگی و بازتعریف هویت شهری ایفا کنند (مؤیدفر و صابری، ۱۳۹۹).

در سطح جهانی، مفهوم «بازآفرینی پایدار شهری» به عنوان رویکردی نوین در مواجهه با بافت‌های فرسوده و تاریخی مطرح شده است. این رویکرد با تمرکز بر ایجاد سیستمی هماهنگ میان نهادهای شهری و عناصر اکولوژیک، به دنبال ارتقای کارایی زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی شهرهاست. در چنین بستری، توجه به ظرفیت‌های درونی و محلی شهرها، به ویژه در قالب اقتصاد خلاق، اهمیتی دوچندان می‌یابد. اقتصاد خلاق، با تأکید بر صنایع فرهنگی، هنری و نوآورانه، امکان بهره‌برداری از ظرفیت‌های بومی را در راستای توسعهٔ پایدار فراهم می‌آورد و شهر را به فضایی رقابت‌پذیر، مشارکت‌محور و هویت‌دار بدل می‌کند (Roberts et al., 2022, p. 19).

با این حال، بررسی ادبیات پژوهشی داخلی نشان می‌دهد با وجود مفهوم گستردهٔ بازآفرینی، ارتباط آن با توسعهٔ اقتصادی خلاق در بافت‌های تاریخی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بیشتر مطالعات موجود بر ابعاد کالبدی و فنی متمرکز بوده یا نگاهی پراکنده و غیرمنسجم به ابعاد فرهنگی و اقتصادی داشته‌اند. به ویژه در زمینهٔ ارائهٔ مدل‌های تحلیلی و سیاست‌گذاری برای به‌کارگیری اقتصاد خلاق در این موضوع، شکاف‌هایی معنادار در پژوهش‌های پیشین مشاهده می‌شوند.

پژوهش حاضر با هدف پوشش این خلأ علمی، تلاش دارد تا با اتخاذ رویکردی یکپارچه، نقش توسعهٔ اقتصادی خلاق را در فرآیند بازآفرینی بافت‌های تاریخی بررسی کند. در این راستا، از روش تحلیل سوات (SWOT) برای شناسایی و ارزیابی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای موجود استفاده شده و محدودهٔ پیرامون مسجد کبود تبریز، به عنوان نمونهٔ موردی، مورد تحلیل قرار گرفته است. انتخاب این محدوده از آن نظر انجام شده است که

مسجد کبود و خیابان کهنه‌خیاوان از نخستین پروژه‌های رسمی بازآفرینی شهری در ایران به شمار می‌آیند که با وجود هدف‌گذاری‌های مشخص، در دست‌یابی به اهداف پیش‌بینی‌شده با ناکامی مواجه شده‌اند. بنابراین، تحلیل این تجربه می‌تواند زمینه‌ای برای تدوین راهبردهایی مؤثرتر در بازآفرینی اقتصادی خلاق بافت‌های تاریخی فراهم آورد.

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

در راستای تبیین مبانی نظری پژوهش حاضر، ابتدا لازم است ادبیات نظری مرتبط با مفاهیم بنیادین مانند اقتصاد خلاق، بازآفرینی شهری و نقش صنایع فرهنگی در توسعهٔ پایدار بررسی و مرور شود. در این میان، نظریه‌پردازان متعدد در دهه‌های اخیر چارچوب‌های مفهومی متنوعی را در زمینه‌های اقتصاد خلاق، شهرهای خلاق، نوآوری فرهنگی و پایداری شهری ارائه کرده‌اند که هر یک در درک ابعاد مختلف بازآفرینی خلاق نقشی مهم ایفا می‌کنند. جدول (۱) مروری اجمالی بر مهم‌ترین نظریه‌های مطرح شده در این حوزه و مضامین کلیدی هر یک از آنها را ارائه می‌دهد.

جدول ۱- چارچوب نظری مفاهیم کلیدی بازآفرینی خلاق مبتنی بر اقتصاد محلی (منبع: نگارندگان)

نظریه	توضیحات
نظریهٔ اقتصاد خلاق (Creative Economy Theory)	هوکینز (۲۰۰۷) در نسخه اول کتاب «اقتصاد خلاق» (۲۰۰۱) بیان می‌کند که صنایع خلاق، هسته اصلی اقتصاد خلاق هستند. او معتقد است که فناوری‌های دیجیتال، جهان را دگرگون کرده‌اند و خلاقیت نیز جهان را بر اساس توانایی تبدیل ایده‌ها به محصولات قابل فروش، به شکلی جدید تقسیم می‌کند (Howkins, 2001) . هوکینز صنایع خلاق را در قالب پانزده بخش طبقه‌بندی کرده که این فهرست به یکی از معیارهای شناخته‌شده برای سنجش ارزش اقتصادی در سطوح جهانی، ملی و محلی تبدیل شده است (Howkins, 2007). به گفته هارتلی (۲۰۰۵)، صنایع خلاق – با تعاریف گوناگون – اکنون بخشی مهم از اقتصادهای پیشرفته به شمار می‌آیند (Hartley, 2005). اقتصاد خلاق از بستر اقتصادی قرن بیست‌ویکم پدید آمده و بر پایه مصرف‌گرایی ساده و صرفاً کاربردی نیست، بلکه بر مصرف‌گرایی نمادین و پیچیده‌ای استوار است که بر اساس تقاضاهای اجتماعی سطح بالا شکل گرفته است (Hartley, 2005). کارنیتیس (۲۰۰۶) معتقد است که اقتصاد امروز بر پایه نوآوری، خلاقیت در مشاغل، و روش‌ها و روابط کاری نوین بنا شده است (Karnitis, 2006).
نظریهٔ شهرهای خلاق (Creative Cities Theory)	ریشهٔ مفهوم شهرهای خلاق را می‌توان در تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پس از جنگ جهانی دوم جست‌وجو کرد؛ زمانی که کشورهای صنعتی با انتقال تولید سنتی به کشورهای در حال توسعه و تمرکز بر دانش، نوآوری و خدمات، وارد عصر پساصنعتی شدند (Kozina et al., 2021). چارلز لندری، خالق این مفهوم، بر ضرورت ایجاد زمینه‌ای برای اندیشه، برنامه‌ریزی و اقدام خلاقانه در مواجهه با مسائل شهری تأکید دارد. از نگاه او، شهرهای موفق دارای ویژگی‌هایی همچون شهروندان آگاه، سازمان‌های پویا و اهداف سیاسی مشخص هستند (Landry, 2000). لندری دو عامل «استعداد» و «فرهنگ» را عناصر کلیدی خلاقیت شهری می‌داند؛ استعداد از طریق آموزش و گشودگی اجتماعی تقویت می‌شود و فرهنگ به عنوان منبع درونی شهر و ارزش اساسی آن شناخته می‌شود (Landry, 2012). بر این اساس، صنایع خلاق به عنوان بخشی از زندگی اجتماعی، می‌توانند فرصت‌هایی برای اشتغال، کارآفرینی و افزایش جذابیت شهری فراهم کنند (Scott, 2006). در این راستا، هنر، فرهنگ و خلاقیت به محورهای مهم برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده‌اند (Landry, 2000; Evans, 2001).
نظریهٔ نوآوری و فرهنگ (Innovation and Culture Theory)	تعریف «فرهنگ نوآوری» هنوز در میان پژوهشگران مورد بحث است، زیرا خودِ مفهوم «فرهنگ» نیز همچنان چالش‌برانگیز باقی مانده است (Benedict, 2005). در حالی که دیدگاه‌هایی متعدد دربارهٔ نوآوری در بستر فرهنگ ارائه شده‌اند، هنوز تعریفی یکپارچه از «فرهنگ نوآوری» وجود ندارد (Jucevičius, 2007). همچنین، دشواری در مشخص‌کردن محتوای مختلف فرهنگی (Fine, 1979)، به ویژه از منظر چندفرهنگی (Hung & Hong, 2017)، به نبود تعریفی جهانی از فرهنگ نوآوری منجر شده است. با این حال، بسیاری از مطالعات تجربی رابطهٔ بین فرهنگ نوآوری و سازمان را اثبات (Naranjo-Valencia et al., 2016) که نشان می‌دهد فرهنگ یکی از عوامل اساسی در نوآوری سازمانی است.
نظریهٔ جامعهٔ مدنی خلاق (Creative Civil Society Theory)	ریچارد فلوریدا در کتاب *ظهور طبقهٔ خلاق* (۲۰۰۲) استدلال می‌کند شهرهایی که به عنوان «مراکز خلاق» شناخته می‌شوند (یعنی شهرهایی که تمرکز آنها بر حضور افراد نوآور است نه صرفاً کسب‌وکارها)، بهترین موقعیت را برای رشد اقتصادی در قرن بیست‌ویکم دارند. در آثار بعدی، مانند نوشته‌های سال ۲۰۰۵ (Florida, 2005a)، او مطرح کرده است نظریهٔ طبقهٔ خلاق در پیش‌بینی نوآوری شهری و موفقیت اقتصادی، عملکردی بهتر نسبت به نظریه‌های سرمایهٔ انسانی و سرمایهٔ اجتماعی دارد. در اثری دیگر به نام *فرار طبقهٔ خلاق* (Florida, 2005b)، فلوریدا طبقهٔ خلاق را عامل تفاوت در رشد اقتصادی میان کشورهای صنعتی مختلف معرفی می‌کند. پیامد این دیدگاه آن است که کشورهایی که «خلاق» محسوب می‌شوند، پژوهشگران خارجی، دانشمندان کامپیوتر و کارآفرینان بیشتری را جذب می‌کنند، زیرا این کشورها شهرهایی باز و مداراپذیر ایجاد کرده‌اند. نظریهٔ طبقهٔ خلاق از پژوهش‌های گوناگون پیشین دربارهٔ تنوع، سرمایهٔ انسانی و عناصر فرهنگی رشد اقتصادی الهام می‌گیرد و آنها را به هم پیوند می‌زند. مانند نظریهٔ سرمایهٔ انسانی، نظریهٔ سرمایهٔ خلاق بر ویژگی‌های افراد (نه کسب‌وکارها) به عنوان عامل کلیدی موفقیت اقتصادی تأکید دارد. فلوریدا طبقهٔ خلاق را به دو زیرگروه تقسیم می‌کند:

نظریه	توضیحات
	• ابرطبقهٔ خلاق شامل دانشمندان کامپیوتر، دانشگاهیان، معماران و هنرمندان • حرفه‌ای‌های خلاق مانند مدیران، حسابداران، وکلا و کارکنان حوزهٔ سلامت هر دوی این گروه‌ها در فرآیند خلق «اشکال نوآورانه و معنادار» از کالاها و خدمات نقش دارند.
نظریهٔ سرمایهٔ اجتماعی خلاق (Creative Social Capital Theory)	توسعه‌ای که بر پایهٔ اقتصاد خلاق پیش می‌رود، فرایندی توانمندساز است که نه فقط رفاه اقتصادی به همراه دارد، بلکه به جوامع قدرت می‌دهد تا آیندهٔ اقتصادی خود را تعیین کنند. نکتهٔ مهم این است که این نوع توسعهٔ جایگزین صرف منابع طبیعی به عنوان موتور توسعه نیست. تفاوت اصلی در درون‌زابودن سرمایهٔ خلاق و ارتباط آن با دانش و نهادهای محلی است. شواهد حاصل از نمونه‌های موفق نشان می‌دهد بازده اقتصادی ناشی از اقتصاد خلاق پیوند بیشتری با اقتصادهای محلی دارد (Voswinkel, 2012) و می‌تواند بر دانش بومی تکیه و به ایجاد نهادهای مدنی و اقتصادی کمک کند. این موضوع تا حدی به پیوند نزدیک سرمایهٔ خلاق با سایر اشکال سرمایهٔ اجتماعی موجود در مناطق پیرامونی، مانند سرمایهٔ اجتماعی، مدنی و دیگر سرمایه‌های جامعه بستگی دارد (Bærenholdt & Aarsæther, 2002; Petrov, 2011).
نظریهٔ توسعهٔ پایدار خلاق (Sustainable Creative Development Theory)	پایداری مفهومی مرکزی در دوران ماست؛ این مفهوم به عنوان یک لنز جدید برای تفسیر جهان عمل می‌کند و اساساً بر درک ما از توسعهٔ شهری تأثیر می‌گذارد. پایداری مفهومی غنی‌تر از آن است که فقط به محیط‌زیست محدود شود؛ بلکه باید به گونه‌ای گسترش یابد که برداشت‌های ما از روان‌شناسی، اقتصاد و فرهنگ را نیز بازپیکربندی کند. این مفهوم باید در تفکر نوین نفوذ کند و به خلق شکل‌های پایداری از خلاقیت منجر شود (Landry, 2000).
نظریهٔ بازآفرینی فضای عمومی (Public Space Regeneration Theory)	فضاهای عمومی جنبه‌هایی حیاتی از هویت یک شهر هستند و به عنوان اجزای کارکردی زندگی شهری عمل می‌کنند. فضاهای عمومی می‌توانند عناصر دموکراسی مدنی را در خود جای دهند؛ زیرا در حالت ایده‌آل، این فضاها می‌توانند مکانی باشند که ما به عنوان شهروند، در آنها حق رأی و حس تعلق خود را تمرین می‌کنیم (Kostof, 1991). بنابراین، فضاهای عمومی شهرها مکان‌هایی بالقوه برای تعامل و ارتباط عمومی مردم هستند و می‌توانند به عنوان بستر مادی برای تعامل دموکراتیک عمل کنند. همان‌طور که میچل (Mitchell, 1995) بیان می‌کند: «فضای عمومی نمایانگر مکانی مادی است که در آن تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی تمامی اعضای «عموم مردم» رخ می‌دهد.»
نظریهٔ هنر و طراحی‌محور (Art and Design-Driven Theory)	رویکرد برنامه‌ریزی طراحی‌محور در آستانهٔ قرن بیست‌ویکم و با ورود معماران و طراحان شهری به حوزهٔ شهرسازی مطرح شد (Madanipour, 1996). این رویکرد به‌جای تمرکز بر کاربری زمین و استانداردهای مهندسی، بر کیفیت فضایی، فرم سه‌بعدی و ویژگی‌های کیفی مکان تأکید دارد. در این دیدگاه، اهداف و معیارهای طراحی از ابتدا مشخص می‌شوند و قابلیت اجرا در مقیاس‌های کلان را دارند. ارزیابی‌ها پیش از توسعه بر پایهٔ قضاوت کارشناسی و پیش‌بینی نتایج کیفی و فضایی انجام می‌شود (عباسزادگان و رضوی، ۱۳۸۵). اصول اصلی این رویکرد شامل موارد زیر است: تأکید بر اهداف عملکردی، انعطاف‌پذیری در ضوابط، توجه به عرصه‌های عمومی و ارتباط آنها، اهمیت تراکم، اختلاط کاربری و کیفیت معماری و تمرکز بر مطلوبیت کیفیت و فرم (رفیعیان و رضوی، ۱۳۸۹).

نظریه‌های مطرح‌شده در جدول (۱) به منزلهٔ بنیان‌های مفهومی پژوهش حاضر، امکان تحلیل چندبُعدی پدیدهٔ بازآفرینی را فراهم می‌آورند. با بهره‌گیری از این چارچوب‌های نظری، می‌توان به گونه‌ای جامع عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اقتصاد خلاق در بافت‌های تاریخی را بررسی و زمینه را برای تدوین الگوی مناسب مداخله در محدوده‌های شهری دارای ظرفیت فرهنگی فراهم کرد.

مبانی نظری

اقتصاد شهری خلاق در بافت‌های تاریخی

اقتصاد خلاق را باید در توجه به رونق اقتصادی از طریق گردشگری و توسعهٔ گردشگری، ایجاد صنایع خلاق فرهنگی و ایجاد صنایع دستی بومی دانست. این رویکرد مقوله‌ای بدیع در عرصهٔ شهرسازی و مدیریت شهری محسوب می‌شود و دست‌یابی به این توسعه فقط با دسترسی به خدمات و امکانات و بهره‌برداری از قابلیت‌های اجتماعی ساکنان محله ای مقدور است (کاظمی و مظفری، ۱۳۹۸). دسترسی به این خدمات در وهلهٔ اول نیازمند شناسایی اقتصاد محله و استفادهٔ بهینه از آن است و این اقتصاد دربرگیرندهٔ مبادلات غیرنقدی کالا و خدماتی است که تحت سلطهٔ خانواده‌های گسترده و محلات مرسوم هستند. این امر همانند قانونی نانوشته با کمک، همکاری و مسئولیت‌پذیری شهروندان در محله اتفاق می‌افتد که می‌توان آن را قوی‌ترین نقطهٔ متحدکنندهٔ اقتصادی بر مبنای پیوندهای خانوادگی، قومی و جنسیتی دانست که می‌تواند هویت اشتراکی محله را تشکیل دهد. این امر به حقوق و تعهدات غیررسمی امکان می‌دهد تا در شبکه مزیت‌ها و پیوندهای

متقابل گسترش یابند (خاوری و خاوری، ۱۳۹۰، ص. ۸). سازهٔ پایداری اقتصادی توسط سه مؤلفهٔ اصلی: (۱) وضعیت اقتصادی فعالان اقتصادی (برای نمایش شرایط اقتصادی خانوارها)، (۲) اقتصاد بنگاه‌های محله (برای نمایش پایداری پویایی اقتصاد بنگاه‌های محله) و (۳) ارزش اقتصادی بنگاه‌ها (برای نمایش ارزشمندی بنگاه‌های کسب‌وکار محله) مورد سنجش قرار گرفته است (شفیعا، ۱۳۹۲، صص. ۸۵-۲۰۰). در این بین، بازآفرینی به عنوان یک مظروف اصلی که در برگیرندهٔ ماهیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و استفادهٔ مجدد از شهر را امکان‌پذیر می‌کند، همچنین دربردارندهٔ ابعاد اجتماعی و اقتصادی و زیست‌محیطی در مقیاس‌های شهری، منطقه‌ای، ملی و مشتمل بر اصولی همچون تغییر و تحولات اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی است که محوریت اصلی آن بر پایه‌های فرهنگ و هنر است. آنچه در این پژوهش حائز اهمیت ویژه است بخش اقتصادی آن است که دربردارندهٔ شرکت‌های بخش خصوصی و داوطلبانه، تغییرات ماهیت شهرها از مراکز تولید به مصرف، تأثیر اقتصاد خدمات‌محور بر ابعاد مختلف بازآفرینی و ترویج حیات مدنی، سرزندگی اجتماعی، حمل‌ونقل عمومی و کاستن اثرات نامطلوب زیست‌محیطی است. طبق دستورکار دفتر حفاظت از محیط‌زیست ایالات متحده، اصولی برای توسعهٔ هوشمند در نظر گرفته شده‌اند که می‌توانند مبنای اصول توسعهٔ اقتصادی خلاق نیز باشند که این اصول عبارت‌اند از: ترویج کاربری‌های مختلط، بهره‌گیری از طراحی تراکم ساختمان‌ها، ایجاد گونه‌های متنوع ساختمانی برای فراهم آوردن فرصت‌ها و حق انتخاب برای شهروندان، ساختن فضاهای پیاده‌مدار شهری، ایجاد باهمستان‌های جذاب و متمایز با تکیه بر حسن مکان، باقی نگه داشتن و حفاظت از فضای باز، زمین‌های زراعی، زیبایی‌های طبیعی و محدوده‌های خطر، تقویت توسعه از درون و جهت‌دهی اقدامات توسعه‌ای به سوی مناطق موجود شهری، تأمین گزینه‌های متعدد برای جابه‌جایی و حمل‌ونقل، اخذ تصمیم‌های قابل پیش‌بینی، منصفانه و اقتصادی دربارهٔ گزینه‌های توسعه‌ای، تشویق شهروندان به مشارکت در اخذ تصمیم‌های توسعه‌ای و تسهیل مشارکت گروه‌های ذی‌نفع. ابعاد مختلف بازآفرینی شامل بعد زیست‌محیطی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، طراحی و قانونی هستند. با بررسی تجارب جهانی (کریم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶) در تجربه‌های بازآفرینی شهری در کشور ترکیه می‌توان گفت بازآفرینی شهری با بهره‌گیری از صنایع خلاق فرهنگی به احیای اقتصادی مناطق مدنظر منجر شده و همگرایی اقتصاد و فرهنگ تأثیراتی به‌سزا بر بازآفرینی بناهای تاریخی داشته است.

در بررسی سندهای بازآفرینی منشور میراث توسعهٔ پایدار سازمان هایی همچون UNISCO، ICCROM، GETTY INSTITUDE، ICOMOS و دیگر نهادهای معتبر از سال ۱۸۷۷ تا کنون کنواسیون‌ها و منشورهایی در خصوص بازآفرینی صورت گرفته شده است. رویکردهای مختلف بازآفرینی شهری بر اساس طیفی از این منشورهای بین‌المللی و چارچوب‌های نظری تنظیم شده‌اند. این طبقه‌بندی نشان می‌دهد گرایش اصلی این رویکردها، تا پیش از دهه‌های اخیر، عمدتاً متمرکز بر مفاهیمی همچون پایداری، حفاظت کالبدی و میراث فرهنگی بوده است. اما با توجه به چالش‌های اقتصادی پیش روی محلات تاریخی و نیاز به احیای واقعی حیات اجتماعی و اقتصادی، ضروری است تا تمرکز از چارچوب‌های صرفاً پایداری‌محور به سمت مدل‌های بازآفرینی اقتصادی مبتنی بر ظرفیت‌های خلاق، کسب‌وکارهای محلی و تقویت اقتصاد خرد تغییر یابد. بر این اساس، در ادامهٔ مقاله، پیشنهاد می‌شود چارچوب‌های منشورهای موجود بازنگری‌شده و اولویت توسعهٔ اقتصادی در بازآفرینی محلات تاریخی مدنظر قرار گیرند (Farouk Hassan et al., 2022).

شکل ۱- روندتوسعه رویکرد های منشورهای بازآفرینی در بافت های تاریخی

(منبع: برگرفته از فاروک حسن [i] و همکاران (۲۰۲۲) با اعمال تغییرات نگارندگان)

در بازآفرینی شهری، بیشتر پروژه‌های شاخص تمرکز عمده‌ای بر فعالیت‌های اقتصادی دارند و به دنبال انگیزش برای سرمایه‌گذاری جالب توجه هستند. بخش ابتکاری بازآفرینی اقتصادی تشویق ایدهٔ کارآفرینی و افزایش درآمد سرانهٔ شهروندان است (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۷، صص. ۱۷۷-۱۶۱). بعد اقتصادی از مهم‌ترین ابعادی است که در احیای بناها و بافت تاریخی و جلوگیری از فرسودگی آن می‌تواند مؤثر باشد؛ زیرا اقتصاد مهم‌ترین نقش را در زندگی افراد ساکن در بافت ایفا می‌کند و از آنجا که بیشتر افراد ساکن در بافت توانایی مالی کمی دارند و به دلیل مهاجربودن، احساس تعلقی به مکان ندارند، بهترین راه مشارکت‌دادن و ایجاد انگیزه در این افراد برای حراست و نگهداری از بناها و بافت تاریخی ایجاد انگیزه‌های اقتصادی است؛ از این رو، وجود اقتصاد پویا و هماهنگ با نیازهای جامعه عاملی اساسی در راستای جلوگیری از تخلیهٔ بافت به وسیلهٔ ساکنان بومی و پیامدهای ناگوار آن است (تاجیک و همکاران، ۱۳۹۸، صص. ٤٤-٤٩). اقتصاد شهری بخش مهم و اساسی شهرها را تشکیل می‌دهد و دربردارندهٔ رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی شامل ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی است. در این رشد، علاوه بر تولید، نهادهای اجتماعی نیز تغییر خواهند کرد و نگرش‌ها متحول خواهند شد و توان بهره‌برداری از منابع موجود متحول می‌شود و نوآوری‌هایی جدیدتر ایجاد می‌شوند. در جامعه‌ای همچون ایران که شهرداری‌ها لازم است تا هزینه‌های جاری و عمرانی خود را تأمین کنند، اقتصاد شهری اهمیت زیادی می‌یابد. چگونگی تأمین منابع مالی پایدار شهری یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی سیاستمداران و برنامه‌ریزان شهری است. با افزایش نیاز به خدمات عمومی در شهرها و محدودیت‌های مالی شهرداری‌ها از سوی دیگر، این چالش روزبه‌روز بیشتر می‌شود (Khmel & Zhao, 2015, pp. 138-145). بر مبنای تعریف اسکان بشر، ملل متحد [ii] برای شناسایی و پاسخ‌گویی به این چالش‌ها، در وهلهٔ اول نیازمند شناسایی ویژگی‌های محله و در مرحلهٔ دوم توانایی شرکت در رقابت‌های اقتصادی محلی، منطقه‌ای و ملی است. از راه‌حل‌های پاسخ‌گویی به این چالش‌ها می‌توان به سرمایه‌گذاری در بخش اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی اشاره کرد که با راه‌اندازی فعالیت‌های اقتصادی جدید، توسعهٔ بازارهای گردشگری، ایجاد مکان‌های مناسب برای برگزاری گردهمایی‌های محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی در شهر اشاره‌کرد (میرسیدی، ۱۳۹۵). در جمع‌بندی، می‌توان گفت در بازآفرینی شهری، اقتصاد اصلی‌ترین چالش طراحان و برنامه‌ریزان شهری است و این چالش با افزایش روز افزون خدمات عمومی در شهرها و محدودیت‌های مالی شهرداری‌ها بیشتر می‌شود (Khamel & Zhao, 2015 .). البته، باید توجه داشت رویکرد اقتصادی صرف به‌تنهایی نمی‌تواند در محلات و بافت‌های تاریخی پاسخ‌گو باشد؛ زیرا این بافت‌ها ارزش‌هایی بیشتر از ارزش اقتصادی خود را دارا هستند و نگاه اقتصادی مطلق همان علتی است‌که زوال بافت‌های تاریخی را به دنبال داشته است.

نمودار ۱- زیرمؤلفه‌های بازآفرینی (منبع: نگارندگان)

اقتصاد خلاق شهری

ایجاد توسعهٔ اقتصادی در شهرها نیازمند تغییرات بنیادی در سطح ملی و بین‌المللی است و اقتصاد خلاق در راستای رشد و توسعهٔ اقتصادی اصلی‌ترین راه‌حل طراحان است. اقتصاد خلاق خود از فعالیت‌های خلاقانه تشکیل شده است که این فعالیت‌ها را می‌توان در انواع هنرهای سنتی و صنایع دستی تقسیم کرد. اقتصاد خلاق در رابطه با بازآفرینی بخش‌های تاریخی و قدیمی شهرها مقوله‌ای مهم به شمار می‌آید. متفکران و کارشناسان دیدگاه‌های نظری گوناگونی از جمله مدرنیستی، فرهنگ‌گرایانه و غیره را مطرح کرده‌اند، اما هدف بیشتر این نظریه‌ها ارتقا و بهبود کالبدی – فیزیکی و کالبدی – کارکردی در قالب سیاست‌های نوسازی، بازسازی و باززنده‌سازی است که در بهترین حالت، باززنده‌سازی اقتصادی از اهداف اولیهٔ آنان محسوب می‌شود. ناکارآمدی دیدگاه‌های گذشته در نهایت به خلق «**نظریهٔ شهر خلاق**» در دوران پساصنعتی منجر شد که با کاربست آن در بسیاری از شهرهای جهان، ضمن بازآفرینی بخش تاریخی این شهرها، توسعهٔ یکپارچه و پایدار آنها نیز صورت گرفت. شهر خلاق رویکردی فرهنگی در توسعه‌های شهری مانند بازآفرینی است (پوراحمد و احمدی فرد، ۱۳۹۷، صص. ۷۵–۹۰). اولین جایی که مفهوم شهر خلاق به طور مشخص در قالب یک سند نظریه‌ای مطرح شد در کار لندری و بیانچینی (۱۹۹۵) بود که توانستند راه‌حل‌هایی جدید برای مشکلات روزمره از طریق تولیدات فرهنگی ارائه دهند (Landry & Bianchini, 1995). ایدهٔ شهر خلاق مبتنی بر این باور است که فرهنگ می‌تواند نقشی مهم در فرایند نوزایی شهر ایفا کند. در این بین، صنایع خلاق کیفیت زندگی شهروندان را از طریق ارتقای بافت اجتماعی شهر بهبود می‌بخشند و مجال ظهور نمودهای فرهنگی ادوار تاریخی و اقشار و ملیت‌های مختلف جامعه را ممکن می‌کنند و در نهایت باعث تقویت چرخهٔ اقتصادی شهر می‌شوند (کوچکی مطلق، ۱۳۹۶) شهر خلاق در بردارندهٔ اقتصاد خلاق و اقتصاد خلاق دربردارندهٔ خلاقیت و صنایع دستی است. در این خصوص، با توجه به مطالعات انجام‌شده، می‌توان صنایع خلاق را در ابعاد میراث فرهنگی، رسانه‌ها، هنرها و میراث فرهنگی و گردشگری و همچنین متغیرهایی در هرکدام از این ابعاد تقسیم‌بندی کرد که با شناسایی شاخصه‌هایشان قابل تحلیل هستند.

صنایع خلاق فرهنگی

مفاهیم «صنایع خلاق» و «صنایع فرهنگی» دو مفهوم جدا از هم هستند، اما از طرفی، می‌دانیم صنایع خلاق مبتنی بر داشته‌های فرهنگی یک جامعه شکل می‌گیرد. از این رو، با وجود تفاوت بین این دو، می‌توان صنایع خلاق را تا حدودی هم‌مفهوم با صنایع فرهنگی دانست، زیرا با استفاده از خلاقیت فردی می‌توان به شکوفایی فرهنگی دست یافت. از طرف دیگر، در تولید صنایع فرهنگی، ارزش اقتصادی آنها پس از معنای زیبایی‌شناسانهٔ اجتماعی‌شان، در درجهٔ دوم اهمیت قرار می‌گیرد و صنایع خلاق در خلاقیت، مهارت و استعدادهای هر فرد ریشه دارند و به واسطهٔ استفاده از این پتانسیل بالقوه در افراد، می‌توان در راستای ایجاد و افزایش کارآفرینی از آن بهره جست (UK DCMS, 2010). یکی از نوین‌ترین رویکردهای بازآفرینی که از صنایع خلاق حمایت می‌کند و همچنین پاسدار هویت و فرهنگی محلی منطقه نیز است، بازآفرینی بر مبنای فرهنگ است. هدف این رویکرد یافتن آثار فرهنگی، تاریخی، آیینی و هنری است تا عامل برون‌زای فرهنگ به مثابهٔ مؤلفهٔ انسجام‌بخش وارد چرخهٔ بازآفرینی شود (لطفی، ۱۳۹۰، صص. ٤٥–٥٥). از ادعای حافظان، هنرمندان، مورخان، معماران و برنامه‌ریزان مشهود است که ترویج میراث فرهنگی نقشی کلیدی در راهبردهای پایداری دارد که هدف آن پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی و فرهنگی، حل تعارضات و تحقق اهداف اقتصادی در درازمدت است (Gunay & Dokmeci, 2008, pp. 998-1014).

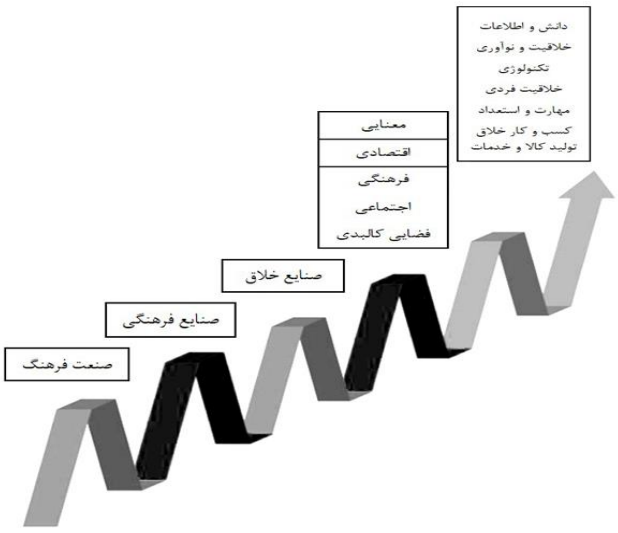

شکل ۲– روند بازآفرینی فرهنگی – اقتصادی

(منبع: نگارندگان)

صنایع خلاق فرهنگی در بافت‌های تاریخی

بافت‌های تاریخی با وجود منزلت مکانی و سکونتی پایین، دارای ارزش‌های تاریخی و هویتی هستند که خود نمایانگر فرهنگ بومی گذشتگان و میراثی ارزشمند برای نسل آتی است. از این رو،

بـا حفـظ و بهره‌بـرداری از ایـن بافت‌هـای ارزشـمند و اسـتفاده از ظرفیت‌های نهفته کـه همـان دارایـی فرهنگـی و هـویتی آنهاسـت، می‌تـوان مـدنیت بـه شـیوه‌های نوآورانـه را توسـعه داد و توسـعهٔ اقتصادی آنها را به ویـژه از وجـه فرهنگـی بهبـود بخشـید (Inter-American Commission on Human Rights, 2004). در این خصوص، در وهلهٔ اول، صنعت فرهنگ مطـرح می‌شـود کـه تمـام فعالیت‌های زیباشناختی را تحت نظام انحصاری و جزئی از فرهنگ توده‌ای قرار می‌دهد و جهان را عاملی برای گذر از غربـال صـنعت (فرایند بازتولید ضروری ساختاری مبتنی بر نیازهای مصرف‌کنندگان و پایه و اساس قدرت و سلطه بر جامعه) می‌داند که موجبات تسلط اقتصادی را ایجاد می‌کند. در عین حال، صنعت فرهنگ‌سازی خـود نیز در برابر رأی و خواسته‌ای که برانگیخته است سـر خـم می‌کنـد (Horkheimer & Adorno, 1944). فرهنگ عاملی کـاربردی در راهبردهای برنامه‌ریزی شهری است و بخشی از راهبـرد توسـعه در حوزه‌هـای اقتصـادی، اجتمـاعی و زیسـت‌محیطی در پروژه‌هـای فرهنگـی و برنامـه‌ریزی‌های فرهنگـی اسـت و در نهایـت، عـاملی تسهیلگر و نیروی محرکهٔ بازآفرینی رویدادهای فرهنگـی و تـرویج فعالیت‌های فرهنگی را ایجاد می‌کند.

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، مؤلفه‌های صنایع خلاق شامل مؤلفه‌های فعالیت‌های اقتصادی، صنایع خلاق فرهنگی، برندسـازی، ایجاد یا تغییـر کـاربری، بـازآفرینی کالبـدی، ارزش اقتصـادی و در نهایت ایجاد اقتصاد فرهنگی و به شرح زیر هستند:

۱- فعالیت‌های اقتصادی: ساکنان اصلی بافت‌هـای تـاریخی از نظر اقتصادی وضع مالی مناسـبی ندارنـد و بـه دلیـل موقعیـت بـد اقتصادی ساکن این بافت‌ها شده‌اند؛ از این رو، جایگاه این بافت‌هـا در زمینهٔ اشتغال‌زایی متزلزل است و می‌توان از بافت‌های تاریخی به دلیل قدمت، سابقهٔ تاریخی و ارزش‌های بـالقوه‌ای کـه دارنـد و بـا بالفعل‌کردن آنها به رشد و توسعهٔ اقتصادی دست پیدا کرد (کلانتری و قاسمی، ۱۳۹۵) و ساکنان بافت‌های تاریخی بـا جان‌بخشـیدن بـه فعالیت‌های اقتصادی که در گذشته وجود داشته‌اند و امروزه رو بـه زوال هستند، می‌توانند موجب جـذب گردشـگر، افـزایش اشـتغال، افزایش ارزش اقتصادی، ارتقای کیفیت سکونت، ایجاد سـرزندگی، افزایش تمایل به زیست در بافت تاریخی، خودکفایی و حفـظ آنـان در منطقه شوند و به همراه آن از شأن و منزلـت اجتمـاعی بـالاتری برخوردار شوند (علی محمدی و عبدالهی، ۱۳۹۷، صص. ٤٦-۳۳).

۲- صنایع خلاق فرهنگی: واژهٔ صنایع فرهنگـی نخسـتین بـار توسط اندیشمندانی مانند تئودور آدورتو و مکی هورکهایمر در دههٔ ۱۹٤۰ در انتقاد از تجاری‌سازی انبوه و بازشناخت مفاهیم فرهنگـی ارائه شد. از منظر تاریخی، توسـعهٔ اقتصـادی شـهرها ماهیتـاً دارای وجه فرهنگـی هـم بـوده اسـت. امـا صـنایع فرهنگـی ایجادکننـدهٔ هویت‌های اجتماعی و مکان‌هایی هستند که مـدنیت بـه شـیوه‌های نوآورانه در آنها توسعه داد می‌شود (شبانی و ایزدی، ۱۳۹۳، صـص. ٥٤-٦۳). فلوریدا (۲۰۰۲) معتقد است طبقهٔ خلاق به طرزی فزاینده در جوامع توسعه‌یافته در حال رشد است و از آنجا کـه تمایـل ایـن افراد به زندگی در شهرهای فرهنگی است، صنایع خـلاق فرهنگـی نیز در حال رشد و شـکوفایی هسـتند (Florida, 2002). از ایـن رو، می‌توان آنها را به طور بالقوه به عنـوان ابـزاری قدرتمنـد بـرای جذب افراد خلاق و گردشگران فرهنگی مطرح کرد. برای بهبـود و شکوفایی صنایع خلاق فرهنگی در بافت‌هـای تـاریخی می‌تـوان از فعالیت‌های شبانه‌روزی و کاربرد هنر و فرهنگ در ساختار بافـت و در نهایت از گالری‌ها، موزه‌ها، نمایشگاه‌های صنعتی به منظور ایجاد جداره‌های فرهنگی با اصالت و منحصربه‌فرد استفاده کرد.

۳- برندسازی: برندسازی از پدیده‌های اخیر در جوامع محلـی با مفهوم احیای ساختارهای کهن، برجسته‌سازی مکان‌ها و بازتولیـد خاطرات جمعی و نمودهای کالبدی در قالب میراث فرهنگی و ابنیهٔ تاریخی معنی می‌پذیرد. هدف برندسازی شهری تصویرسازی مجدد وابسته به هویت مکان است و در فهم فرهنگ ویژهٔ محلی اثـر دارد. برند شهری ابزاری مؤثر برای توسعهٔ شهری، ارزش‌آفرینی، توسـعهٔ اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و به تبع آن جذب و توسـعهٔ سرمایه‌گذاری، رونق صنعت گردشگری و انتقال فناوری اسـت. بـه طور کلی، اجزای برند شهری شامل سـه بخـش هویـت، تصـویر و موقعیت هسـتند (اکبـری و همکـاران، ۱٤۰۱، صـص. ٦۱-۸٦). در بازآفرینی بافـت تـاریخی، برندسـازی ابـزاری تبلیغـی بـرای خلـق تصویری یگانه از شهر اسـت و نقشـی جالـب توجـه در توسـعه و احیای بافت‌های تاریخی در شـهرها دارد. برندسـازی نـه فقـط بـه عنوان عامل فرهنگی، موجب افزایش رشد اقتصادی می‌شـود، بلکـه آشـنایی بـا فرهنگ‌هـای گونـاگون بـه ویـژه فرهنـگ گذشـتگان و نمودهای کالبدی آن در قالب میـراث فرهنگـی، ابنیـه و بافت‌هـای تاریخی، انگیزه‌ای اساسی در حوزهٔ گردشگری به شمار می‌آید و آن را به صنعتی پررونق در حوزهٔ ابنیه و بافت‌های تاریخی بدل می‌کند (محمدی و رضایی، ۱۳۹۷).

٤- ایجاد یا تغییر کاربری: به طور کلی، فرسودگی ساختمان‌ها و محله‌ها در نابرابری میان خدمات عرضه‌شده بـه وسـیلهٔ بافـت و نیازهای امروز نمود می‌یابد؛ بنابراین، ایجاد کاربری های متناسب بـا نیازهای معاصر در بافت تاریخی از ضروریات است. از سوی دیگر، ساکنان جدید بافت‌ها کارکردهای دیگری به منطقـه می‌بخشـند کـه بعضاً ضدارزش یا نامناسب ارزیابی می‌شوند؛ در نتیجه، لزوم ایجـاد کاربری مناسب در بافت و متناسب با ارزش‌های آن ضروری اسـت

(عزیزی و ارباب، ۱۳۸۷، صص. ۱۴۸-۱۵۷). گاهی نیز ایجاد کاربری در یک بنا با تغییر کاربری قبلی و سودمندکردن آن همراه است و تغییر کاربری بناهای تاریخی سودمندی بنا را حفظ می‌کند. به بیانی دیگر، باید کاستی‌هایی که به کاهش سودمندی و کاربری این بناها منجر شده بودند، برطرف شوند: «اگر این روند در مقیاس وسیع در سراسر بافت روی دهد، به جزئی ناگسستنی از تجدید سازمان کارکردی ناحیه تبدیل خواهد شد» (هیث و همکاران، ۱۳۸۸، ص. ٦٦) و «بهره برداری مفید از بناها، اغلب بهترین روش حفظ آن است» (شفیعا، ۱۳۹۲، صص. ۸۵-۲۰۰).

از دیگر راهبردهای سیاسی رایج در حوزهٔ فرهنگی، تعریف کاربری‌های فرهنگی در حوزهٔ پروژهٔ بازآفرینی شهری است که شامل موزه‌ها، گالری‌های موقت و دائم، مراکز گردهمایی، تالارهای فرهنگی، سالن‌های تئاتر، سینماها و غیره است. از این رو، می‌توان اذعان داشت چنانچه فعالیت بخش‌های فرهنگی در ساعات شب نیز ادامه یابد، عاملی در راستای جذب سایر کاربری‌های تجاری و در نتیجه بهبود اقتصاد محلی می‌شود. از کاربری‌های تجاری که در مجاورت این بخش‌های فرهنگی شکل می‌گیرند می‌توان به کتاب‌فروشی‌ها، گالری‌ها، فروشگاه‌های مرتبط با موسیقی، کارگاه‌های طراحی لباس و کارگاه‌های هنری اشاره کرد (Montgomery, 2004). از طرفی دیگر، توجه به رابطهٔ بین فضاها، عملکردها و قوانین نیازمند توجه ویژه به رابطهٔ بین فضاهای عمومی اعم از جمعی و خصوصی است و این توجه متمرکز به طبقهٔ همکف ساختمان‌ها و ارتباط بین بلوار و حیاط خود ساختمان‌ها و بعد شهری اولویت و مرکزیت طراحی است. در مواجهه با بافت‌های تاریخی و ایجاد اقتصادی مبتنی بر سرمایه‌های فرهنگی، اتخاذ سیاست‌هایی همچون تجدید حیات محلی از طریق پیش‌بینی اقامتگاه‌ها برای تمرکز هنرمندان (Zukin, 1998, pp. 825–839)، بازسازی و نوسازی ساختمان‌های تاریخی و استفاده از آنها به عنوان فضایی برای بیان هنری و طراحی فضاهای شهری مانند سینما یا موزه در محلات تاریخی (Bianchini & Parkinson, 1993) و تأکید بر گردشگری در راستای توسعهٔ خلاق در بافت‌های فرسوده (صحراییان و موحد، ۱۳۹٦، صص. ٤٠٣-٤٠٥) می‌تواند به عنوان تلاش برای بازآفرینی شهری مبتنی بر تولید و مصرف فرهنگ معرفی و بررسی شود.

۵- سرمایه‌گذاری کالبدی: سرمایه‌گذاری در بافت تاریخی موجب ارزش‌آفرینی در این مناطق می‌شود؛ از این رو، این مؤلفه به عنوان هدف بازآفرینی اقتصادی مطرح می‌شود و به دلیل داشتن روابط سرد در این خرده‌نظام، در بعد شخصیتی نظام کارکردی قرار می‌گیرد. در مؤلفهٔ سرمایه‌گذاری، روابط گفتمانی معمولاً خصلت تحلیلی - تجربی دارند و پیرامون مسائل اثباتی و مادی هستند. از ویژگی‌های دیگر این مؤلفه کنش ابزاری و عقل ابزاری است که آمادگی پذیرش هرگونه نوآوری و خلاقیت را دارد؛ از این رو، سرمایه‌گذاری بنا نظام کارکردی پارسونز را در بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی عهده‌دار است. مورفولوژی ریزدانهٔ شهری، تنوع و انطباق‌پذیری ساختمان‌ها، نفوذپذیری خیابان‌ها، خوانایی فضاهای محله (نماهای مشرف به خیابان فعال و پویا و جذاب)، میزان فضای عمومی (حضور درختان و عناصر طبیعی فضای سبز عمومی و خصوصی)، وجود سلسله‌مراتب بین فضاهای عمومی و خصوصی، پویایی محله و رونق کسب‌وکار انگیزهٔ جذب سرمایه‌گذاری را در محله به وجود می‌آورند؛ سرمایه‌گذاری که توجه به جامعهٔ محلی را در دستور کار خود قرار داده و شرایطی را فراهم آورده است تا توزیع ثروت در محله را به راه اندازد. به این دلیل، جذب سرمایه‌گذاری باید به نحوی انجام شود که به ایجاد سرزندگی و تقویت کارکردهای موجود و توسعهٔ فعالیت‌های مورد نیاز محله منجر شود.

٦- ارزش اقتصادی: از نگاه سرمایه‌گذاری، در نوسازی شهری دو ارزش بالقوه وجود دارند. ارزش اول به بالارفتن سطح عمومی قیمت‌ها در حوزهٔ مسکن، ساختمان و کاربری‌ها و خدمات شهری معطوف است و ارزش دوم ناشی از بالارفتن مرغوبیت محدوده‌های مورد سرمایه‌گذاری پس از عملیات نوسازی است (علی‌محمدی و عبدالهی، ۱۳۹۷). به عبارت دیگر، صنعت نوسازی شهری به دلیل ایجاد مرغوبیت و ارتقای کیفیت محیط زندگی شهری و ایجاد ظرفیت‌های جدید برای اسکان جمعیت سرریز شهری و ارائهٔ خدمات شهری، خلق‌کنندهٔ ارزش واقعی و ارائه‌کنندهٔ خدمات ضروری و مورد نیاز شهروندان است (آیینی و همکاران، ۱۳۹۸، صص. ۱۱۵-۱٤٦). پژوهش‌ها حاکی از آن است که ارزش ملک در بیشتر بافت‌های تاریخی نسبت به مابقی اراضی شهری کمتر است (شبانی و ایزدی، ۱۳۹۳، صص. ۱۲-۲۱) که با تحقق رویکرد بازآفرینی پایدار شهری می‌تواند موجب ارتقای این معیار شود و هدف اصلی آن ایجاد امکان بهره‌برداری اقتصادی از مکان به گونه‌ای است که ارزش کافی به منظور پوشش هزینه‌ها را ایجاد کند (English Heritage, 2008).

۷- ایجاد اقتصاد فرهنگی: یکی از چالش‌های اساسی در فرآیند بازآفرینی بافت‌های تاریخی مرز باریک میان بهره‌برداری اقتصادی از میراث و حفاظت پایدار آن است. همان‌گونه که فلامکی (۱۳۸۷، ص. ۳۷) تأکید می‌کند، چنانچه نگاه صرفاً اقتصادی جایگزین نگرش فرهنگی و هویتی شود، نتیجه‌ای جز تضعیف

ارزش‌های تاریخی و آسیب به ساختار فرهنگی بافت در پی نخواهد داشت. از این رو، ایجاد «اقتصاد فرهنگی» باید بر پایهٔ حفظ هویت، اصالت و ارزش‌های بومی استوار شود.

در این رویکرد، اقتصاد فرهنگی به عنوان الگویی جایگزین می‌کوشد تا از طریق نهادینه‌سازی فعالیت‌های خلاقانه مانند صنایع دستی، هنرهای سنتی، گردشگری فرهنگی و ایجاد فضاهای تعاملی، به گونه‌ای هم‌زمان هم پویایی اقتصادی را تقویت کند و هم زمینه‌ای برای حفاظت و احیای میراث فرهنگی فراهم آورد. این نوع اقتصاد نه فقط از نگرش مصرف‌گرایانه پرهیز می‌کند، بلکه بر استفادهٔ پایدار و معنادار از ظرفیت‌های تاریخی و فرهنگی تأکید دارد. با این حال، باید توجه داشت اگر میراث تاریخی صرفاً دست‌مایه‌ای برای دست‌یابی به سود اقتصادی کوتاه‌مدت شود، نه فقط به نابودی ارزش‌های اصیل منجر خواهد شد، بلکه تحقق توسعه‌ای پایدار نیز ناممکن خواهد بود. فلامکی در این باره هشدار می‌دهد که در چنین نگرشی، بناهای تاریخی به ابزاری برای توانمندسازی اقتصادی بدل شده‌اند، حال آنکه انگیزهٔ اصلی حفاظت و مرمت آنها باید ریشه در شناخت و پاس‌داشت هویت فرهنگی داشته باشد. این در حالی است که در بسیاری از نمونه‌های معاصر شهرهای تاریخی مانند کرمان، شیراز قدیم، اصفهان قدیم و مشهد، شواهدی از تخریب‌های گسترده ناشی از همین نگرش سودجویانه دیده می‌شوند. بنابراین، ضروری است که اقتصاد فرهنگی به عنوان راهبردی کلان در بازآفرینی بافت‌های تاریخی در نظر گرفته شود؛ راهبردی که با پیوند میان فرهنگ، اجتماع و اقتصاد، به بازتولید پایدار شهری منتهی خواهد شد. در این چارچوب، مؤلفه‌های فرهنگی نه فقط به عنوان مزیت‌های نمادین، بلکه به عنوان بنیان‌های اقتصادی قابل اتکا برای احیای بافت‌های تاریخی تلقی می‌شوند.

قرار گرفتن تمامی این شاخصه‌ها در کنار هم عامل دست‌یابی به اقتصاد خلاق است. جالب توجه است که بافت‌های تاریخی بدون بهره‌گیری اقتصادی دچار فرسودگی و افول می‌شوند و از بین خواهند رفت. همچنین، بهره برداری بی‌رویه از آنها نیز همان نتیجه را در پی خواهد داشت. با توجه به اهمیت تمامی این موارد، نمی‌توان ادعایی مبنی بر ارجحیت موردی بر دیگری داشت؛ از این رو، باید تأکید کرد مؤلفه‌های بالا مکمل یکدیگر هستند و بهره‌گیری از تمامی این مؤلفه‌ها در کنار هم یک بازآفرینی اقتصادی موفق را در پی خواهد داشت. سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در کالبد بافت تاریخی با حفظ ارزش آن و ایجاد فعالیت‌های متناسب با کالبد و همچنین فعالیت‌های شبانه روزی نیز باید در این بین وجود داشته باشند تا در نهایت سبب تصویرسازی مجدد از بافت شوند که این خود تبدیل‌شدن بافت تاریخی موجود به یک برند شهری را در پی خواهد داشت. این امر مرغوبیت بافت را افزایش می‌دهد، بازگشت سرمایه را به دنبال دارد و سبب اشتغال‌زایی و پویایی برای ساکنان می‌شود.

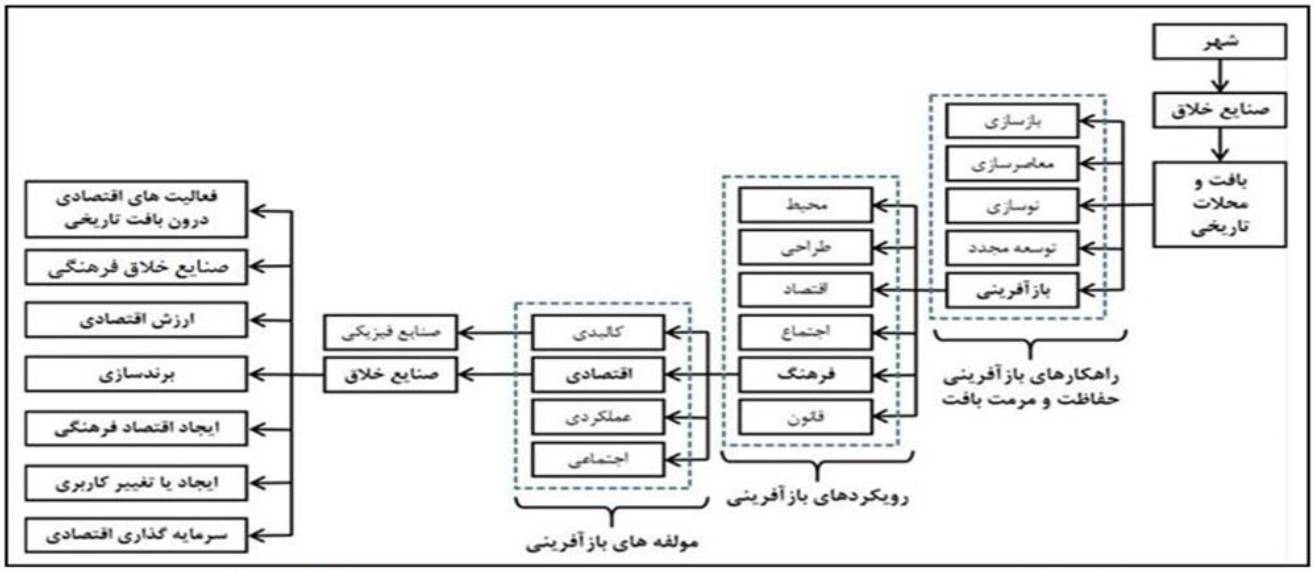

نمودار ۲- بازآفرینی مبتنی بر صنایع خلاق با رویکرد اقتصادی در محلات تاریخی. (منبع: نگارندگان)

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های نظری با رویکرد توصیفی – تحلیلی است و با هدفی کاربردی انجام شده است. گردآوری داده‌ها به دو شیوهٔ کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. در مرحلهٔ نخست، با بهره‌گیری از منابع علمی، مقاله‌های تخصصی،

گزارش‌های اجرایی و اسناد مرتبط، مبانی نظری و پیشینهٔ پژوهش گردآوری و بررسی شده است. در مرحلهٔ دوم، برای تحلیل داده‌های میدانی از تکنیک‌های کیفی و نیز ابزارهای تحلیل راهبردی بهره گرفته شده است.جامعهٔ آماری این پژوهش شامل بافت‌های تاریخی شهری با سابقهٔ اجرای طرح‌های بازآفرینی است. نمونهٔ موردی منتخب در این پژوهش محدودهٔ پیرامون مسجد کبود تبریز است. انتخاب این محدوده به دلیل جایگاه تاریخی – فرهنگی آن و نیز پیشینهٔ اجرای یکی از نخستین پروژه‌های رسمی بازآفرینی شهری در ایران، انجام شده است؛ پروژه‌ای که با وجود برنامه‌ریزی‌های گسترده، به نتایج مورد انتظار دست نیافت و از این رو، تحلیل آن می‌تواند حاوی آموزه‌هایی مهم برای سیاست‌گذاری‌های آتی باشد. همچنین، روش نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت هدفمند [iii] بوده است. ملاک انتخاب نمونه وجود پروژه‌های رسمی بازآفرینی شهری در محدودهٔ مدنظر و قابلیت بررسی ابعاد اقتصادی، فرهنگی و کالبدی آنها در چارچوب توسعهٔ خلاق بوده است.

در بخش میدانی، داده‌ها از طریق مشاهدهٔ مستقیم، بررسی میدانی و نیز استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته (جمع‌آوری‌شده در طرح پژوهشی این مقاله) با متخصصان حوزهٔ شهرسازی، مدیریت شهری و فعالان فرهنگی گردآوری شده‌اند. همچنین، به منظور تکمیل داده‌های میدانی، از نقشه‌ها، اسناد شهری و مطالعات موجود استفاده شده است.

داده‌های گردآوری‌شده با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل سوات (SWOT) تحلیل شدند.

کاربرد تکنیک سوات در این پژوهش به دلیل ماهیت چندبعدی مسئلهٔ بازآفرینی شهری و ضرورت تحلیل هم‌زمان عوامل درونی و بیرونی تأثیرگذار بر توسعهٔ اقتصادی خلاق در بافت‌های تاریخی انتخاب شده است. این روش امکان استخراج راهبردهای مؤثر بر اساس تطبیق شرایط موجود با ظرفیت‌های بالفعل و بالقوهٔ بافت را فراهم می‌کند.

مطالعهٔ موردی: محوطهٔ پیرامون مسجد کبود

یکی از بناهای مهم و تاریخی تبریز مجموعهٔ مسجد کبود و محیط پیرامون آن است. این محدوده دارای محورها با کارکردهای متنوع است. یکی از موضوع‌های اساسی در شناخت هر بافت شهری به ویژه بافت‌های تاریخی مباحث مربوط به کیفیت ابنیه است. در محدودهٔ مورد مطالعه، سهم ابنیهٔ قابل قبول تقریباً زیاد است که نشان‌دهندهٔ وضعیت تقریباً مطلوب در سایت است. همچنین، عناصر و ابنیهٔ تاریخی نیز در محدوده وجود دارند که ارزش موضوع و کیفیت‌های محیطی را در محیط افزوده می‌کنند. در مقابل، سهم نوساز، مرمتی نیز مناسب است که نشان‌دهندهٔ تغییر وضعیت محدوده به جریان‌های مثبت و در حال نوسازی برخی از بافت‌ها و ابنیهٔ قدیمی و فرسوده در محیط است. در مقابل، با توجه به وجود ساختمان‌های فرسوده و قدیمی در برخی از نقاط محدوده، این موضوع را نیز می‌توان جزو مؤلفه‌های ضعف این مجموعه دانست. شروع مداخلات موضعی این مجموعه به اوایل دورهٔ پهلوی برمی‌گردد که با شروع تغییرات محیط پیرامون و تبدیل قبرستان به باغ دلگشا بوده است؛ ولی حجم گستردهٔ این مداخلات مربوط به دههٔ ۷۰ شمسی قرن گذشته بود که به طور کلی، بافت پیرامون مسجد کبود به عنوان بافت فرسوده شناخته شد و کلاً تخریب شد.

در راستای بررسی سوابق مداخلات انجام‌شده در محدودهٔ پیرامون مسجد کبود تبریز، تحلیل تاریخی پروژه‌های اجراشده طی نزدیک به یک قرن اخیر از اهمیتی ویژه برخوردار است. این طرح‌ها از منظر نحوهٔ مواجهه با ارزش‌های تاریخی، نحوهٔ بهره‌برداری فضایی، نگاه به کاربری‌های فرهنگی و تعامل با بافت پیرامونی، دارای رویکردهای متفاوت و بعضاً متضاد بوده‌اند. بیشتر این مداخلات بدون تبیین یک چارچوب نظری روشن در زمینهٔ بازآفرینی، به ویژه بازآفرینی خلاق، اجرا شده‌اند و در برخی از موارد به تخریب بخش‌هایی از آثار تاریخی یا تضعیف ساختار فرهنگی منطقه منجر شده‌اند. جدول (۲) مهم‌ترین طرح‌های اجراشده از سال ۱۳۰۸ تا امروز را به تفکیک مجری، مشاور، نوع طرح و پیامدهای آنها ارائه می‌دهد. تحلیل این سوابق زمینه‌ای برای شناخت بهتر فرصت‌ها و چالش‌های کنونی محدوده را فراهم می‌آورد.

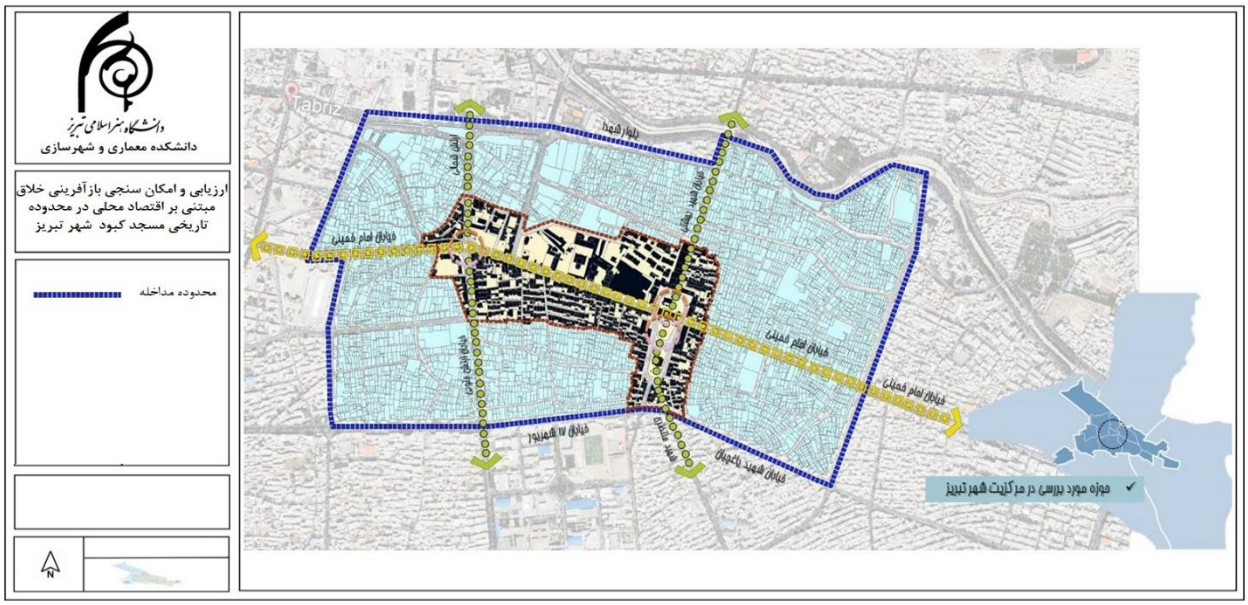

نقشهٔ ۱- محدودهٔ مورد مطالعه (منبع: نگارندگان)

جدول ۲- طرح‌های اجراشده در محدوده (منبع: نگارندگان)

سال	طرح اجراشده	مشاور	مجری	نتایج و تبعات
۱۳۰۸	ساماندهی محوطه و تبدیل گورستان به باغ دلگشا	محمد علی تربیت، شهردار تبریز	شهرداری تبریز	هرچند بافت پیرامون برای استفادهٔ عموم فراهم شد، بخش‌های باقی‌مانده از بقایای آثار تاریخی به کلی تخریب شدند.
۱۳۲۸	تبدیل بخشی از باغ دلگشا به مدرسه	----------	آموزش‌وپرورش	محوطهٔ باز موجود در اطراف سایت از بین رفت.
۱۳۳۶	ساخت موزهٔ ملی آذربایجان	علی صادق زیر نظر آندره گدار	وزارت فرهنگ و هنر	با احداث این موزه و شروع بازسازی‌های مسجد کبود، کاربری این مجموعهٔ شهری به کاربری آموزشی فرهنگی تغییر یافت.
۱۳۶۹	رواق‌های پیرامون محوطهٔ درونی و مسجد زمستانی بخش جنوبی محوطه	باقر آیه الله زاده شیرازی	سازمان میراث فرهنگی	با اجرای این طرح برای مسجد صحنی تعریف‌شده اجرا شد، ولی این طرح قالب ارجاع و سندیت تاریخی ندارد.
۱۳۷۲	مجموعهٔ تجاری ضلع شرقی مجموعه	مهندسان مشاورباوند	سازمان عمران و به‌سازی تبریز	این طرح بدون در نظر گرفتن ارزش‌های تاریخی و حریم مجموعه اجرا شد و بافت پیرامون آن را به‌شدت تخریب کرد.
۱۳۸۲	احداث پارک خاقانی در ضلع غربی	----------	شهرداری تبریز	مانع اجرای طرح کامل صحن مسجد در این جبهه شد.
۱۳۸۶	ایجاد سایت موزهٔ باستان‌شناسی عصر آهن و سفال خاکستری تبریز	بهروز عمرانی	سازمان میراث فرهنگی	بخشی از تمدن مکشوفهٔ هزارهٔ اول قبل از میلاد در عمق ۸متری از کف محوطهٔ مسجد کبود به نمایش گذاشته شد.
۱۳۸۸	موزهٔ فرش آذربایجان در جبههٔ شمالی	مهندسان مشاورباوند	میراث فرهنگی	هنوز عملیات فیزیکی شروع نشده است.

تحلیل و یافته‌ها

به منظور تحلیل وضعیت بازآفرینی خلاق در محدودهٔ تاریخی پیرامون مسجد کبود تبریز، از تکنیک تحلیل سوات (SWOT analysis) استفاده شد. سوات (SWOT) از کنار هم قرار دادن حروف S(strengths)، W(weaknesses)، O(opportunities)، T(threats) نام‌گذاری شده است. برای امتیازدهی به عوامل درونی (نقاط قوت و ضعف) و عوامل بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدها)، از نظر ۱۵ نفر از کارشناسان و متخصصان حوزه‌های برنامه‌ریزی شهری، معماری، گردشگری و اقتصاد شهری بهره گرفته شد. این افراد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد تا دکتری بوده و دست‌کم ۵ سال سابقهٔ حرفه‌ای در زمینهٔ بازآفرینی شهری یا پروژه‌های مرتبط در شهر تبریز داشته‌اند.

بر مبنای نظرهای این مشارکت‌کنندگان، وزن نسبی و امتیاز هر عامل به صورت جداگانه تعیین شد و وزن نهایی از حاصل‌ضرب این دو به دست آمد. در ادامه، نتایج در قالب جداول مجزا برای هر دسته ارائه می‌شود.

جدول ۳- جدول امتیازبندی سوات IFAS . (منبع: نگارندگان)

			وزن نسبی	امتیاز	وزن نهایی
داخلی	قوت	وجود مغازه‌های متحرک که باعث ایجاد اشتغال شبانه می‌شوند.	۰/۰۵۱	٤	۰/۲۰٤
		تعادل بین توده و فضا و تراکم متوسط در محدودهٔ مداخله با توجه به بناهای تاریخی	۰/۰۲۵	۳	۰/۰۷۵
		وجود دسترسی مستقیم به کاربری‌های شهری به دلیل شریانی‌بودن محور	۰/۰۳۸	٤	۰/۱۵۲
		عرض مناسب پیاده‌رو برای عبور و مرور و برخورداری از مسیر دوچرخه در خیابان امام	۰/۰۲۵	۳	۰/۰۷۵
		وجود دسترسی مناسب به ایستگاه‌های متروی شهید بهشتی و ساعت و ایستگاه‌های بی آر تی و همچنین برخورداری از پارکینگ‌های عمومی طبقاتی (آرین، عتیق، تربیت، خاقانی و کوثر و...) در حوزهٔ مورد مطالعه	۰/۰۳۸	٤	۰/۱۵۲
		وجود بناها به عنوان نشانه‌های شهری مانند عمارت ساعت موزهٔ آذربایجان و ...	۰/۰۳۸	٤	۰/۱۵۲
		استفاده از معماری تاریخی به ویژه ویژگی‌های منطقه‌ای در هر طرح که باعث جذب گردشگر خلاق می‌شود.	۰/۰٦٤	٤	۰/۲۵٦
		وجود مهاجران خلاق در طرح‌های بررسی‌شده و ایجاد تنوع فرهنگی بارز در محدوده‌های طراحی	۰/۰۳۸	٤	۰/۱۵۲
		وجود سرزندگی فرهنگی در محدوده‌های بازطراحی‌شده با توجه به وجود فعالیت‌های شبانه‌روزی و تنوع در جنس و سن ساکنان	۰/۰۵۱	٤	۰/۲۰٤
		وجود امنیت با توجه به توزیع مناسب فضاهای شبانه‌روزی در بیشتر نقاط طرح‌های بررسی‌شده	۰/۰٦٤	٤	۰/۲۵٦
		وجود هنرهای اجرایی و بستری هنری برای حرکت ناخودآگاه پیاده از فضایی به فضای دیگر در بیشتر طرح‌ها	۰/۰۳۸	٤	۰/۱۵۲
	ضعف	نبود مشارکت کافی مردمی در بیشتر طرح‌ها که از نبود اطلاعات کافی ساکنان از فرایند بازآفرینی و بازسازی نشئت گرفته است.	۰/۰۵۱	۲	۰/۱۰۲
		زیادبودن تعداد طبقات (بیش از ۱۰ طبقه) در برخی از نقاط و شکستن خط آسمان و حریم ارتفاعی بناهای تاریخی	۰/۰۲۵	۱	۰/۰۲۵
		مقیاس غیرانسانی بر برخی از نقاط محدوده همچون میدان منصور	۰/۰۲۵	۱	۰/۰۲۵
		فرسودگی کالبدی ابنیهٔ بافت	۰/۰۳۸	۲	۰/۰۷٦
		عدم پراکنش صحیح کاربری درمانی و فضای سبز در محدوده	۰/۰۲۵	۱	۰/۰۲۵
		جداسازی مسیر پیاده و دوچرخه به وسیلهٔ نرده و حصارهای جداکننده	۰/۰۲۵	۱	۰/۰۲۵
		از بین رفتن ریتم مناسب خط آسمان در برخی از نقاط به دلیل کاهش تعداد طبقات و وجود ساختمان‌های بلندمرتبه در حریم آثار تاریخی	۰/۰۲۵	۱	۰/۰۲۵
		فقدان استحکام کافی ساختمان‌ها در برابر زلزله	۰/۰۵۱	۲	۰/۱۰۲
		استفاده از سوخت‌های تجدیدناپذیر و آلوده‌کنندهٔ هوا و آلودگی صوتی ناشی از ناوگان فرسوده	۰/۰۳۸	۲	۰/۰۷٦
		نامناسب‌بودن کف‌سازی معابر به ویژه معابر محلی قرارگیری در تیپ اقلیمی سرد و معتدل با زمستان‌های طولانی	۰/۰۳۸	۲	۰/۰۷٦
		نبود آموزش و پرورش هنر و فرهنگ در بیشتر طرح‌های مطالعه‌شده سبب کاهش سرعت فرایند شکل‌گیری محلات خلاق می‌شود.	۰/۰۵۱	۲	۰/۱۰۲
		بی‌توجهی به مشاغل کوچک و صنایع دستی در چندی از محدوده‌های بررسی‌شده بازده فعالیت‌های فرهنگی را کاهش می‌دهد وسبب بروز مشکل در جذب ساکنان خلاق می‌شود.	۰/۰٦٤	۲	۰/۱۲۸
		نبود مشاغل خلاق در تمامی طرح‌ها و سبب‌شدن آن به کاهش حضور در عرصه‌های رقابت	۰/۰٦٤	۲	۰/۱۲۸

جدول ٤- جدول امتیازبندی سوات EFAS . (منبع: نگارندگان)

			وزن نسبی	امتیاز	وزن نهایی
خارجی	فرصت	استفاده از طرح‌های نوسازی که در بافت‌های فرسوده سبب توسعهٔ فرهنگی می‌شود.	۰/۰۷۲	٤	۰/۱٤٤
		توجه به رویدادهای فرهنگی و تاریخی و استفاده از این رویدادها در برگزاری فستیوال‌های مختلف و جذب گردشگر	۰/۰۹	٤	۰/۰۳٦
		نفوذپذیری زیاد در حوزهٔ بلافصل و دسترسی آسان به آن در محدودهٔ مداخله	۰/۰۷۲	٤	۰/۱٤٤
		امکان استفاده از مصالح بومی با هدف افزایش پیوستگی مناظر	۰/۰۷۲	٤	۰/۱٤٤
		امکان به‌کارگیری مبلمان متناسب با پس‌زمینهٔ تاریخی و فرهنگی در محدوده	۰/۰۱۸	۳	۰/۱۰۸
		امکان ذخیرهٔ انرژی خورشید به صورت موقت در پیل‌های الکترومغناطیسی	۰/۰۳٦	۳	۰/۱۰۸
		مجاورت محدوده با مناطق دارای بافت‌های تاریخی و مراکز گردشگری	۰/۰۳٦	۳	۰/۱۰۸
		استفاده از فضاهای بایر بافت فرسوده که از طریق جذب سرمایه‌گذاری سبب توسعهٔ کاربری‌ها می‌شود.	۰/۰۷۲	٤	۰/۱٤٤
		استفاده از پروژه‌های معماری و شهرسازی طراحی‌شده توسط طراحان باتجربه و برگزاری مسابقات برای شناسایی طرح بهینه	۰/۰٥٤	٤	۰/۲۱٦
		بازسازی بناهای تاریخی و حذف موانع قدیمی و استفادهٔ بهینه از آنها	۰/۰۹	٤	۰/۰۳٦
	تهدید	بی‌توجهی به نیازهای شهر هوشمند و خلاق مانند محدوده‌های نوآوری که در هیچ کدام از طرح‌ها یافت نشد.	۰/۰۷۲	۲	۰/۱٤٤
		بی‌توجهی به ساختارهای کهن که سبب ایجاد اختشاشات فرهنگی و بصری در فضاهای شهری می‌شود.	۰/۰۹	۲	۰/۰۱۸
		نبود توجه کافی به رشد خدمات و گونه‌های هنری و الکترونیکی در طرح‌های مطالعه‌شده سبب کاهش سرعت فرایند شکل‌گیری محلات خلاق می‌شود.	۰/۰۷۲	۲	۰/۱٤٤
		بی‌توجهی به اصول طراحی بهینهٔ انرژی در برخی از طرح‌های بررسی‌شده	۰/۰۷۲	۲	۰/۱٤٤
		احتمال کم‌رنگ‌شدن نشانه‌های مهم به دلیل انسداد بصری بناهای مهم تاریخی	۰/۰۳٦	۱	۰/۰۳٦
		احتمال کاهش خوانایی محدوده به علت وجود اغتشاشات بصری	۰/۰۳٦	۱	۰/۰۳٦

بر اساس مجموع وزن‌های نهایی SWOT:

- نقاط قوت = (S) ۲/٤۳٥
- نقاط ضعف = (W) ۰/۰۱٥
- فرصت‌ها = (O) ۲/۳٥۸
- تهدیدها = (T) ۰/٦۸٤

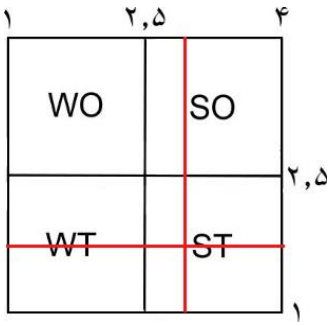

شکل ۳- تحلیل جدول سوات (منبع: نگارندگان)

با جمع‌بندی امتیازهای نهایی، مجموع عوامل داخلی برابر ۳/٤٥ و مجموع عوامل خارجی برابر ۳/۰٤۲ محاسبه شد. بر اساس این نتایج، موقعیت راهبردی محدودهٔ مورد مطالعه در ناحیهٔ راهبردی (SO)، استفاده از قوت‌ها برای بهره‌برداری از فرصت‌ها، قرار می‌گیرد که نشان‌دهندهٔ مزیت رقابتی مناسب و همچنین بیانگر آن است که بافت تاریخی پیرامون مسجد کبود تبریز دارای پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های زیادی برای بهره‌گیری از فرصت‌های محیطی با تکیه بر نقاط قوت درونی است. در همین راستا، راهبردهای چهارگانهٔ زیر بر اساس تحلیل سوات (SWOT) استخراج شده‌اند تا بتوانند مبنایی برای مداخلهٔ خلاقانه و هدفمند در فرآیند بازآفرینی این محدوده قرار گیرند:

۱- راهبردهای (SO)، استفاده از قوت‌ها برای بهره‌گیری از فرصت‌ها

تقویت برند فرهنگی منطقه با تکیه بر میراث تاریخی و برگزاری فستیوال‌های محلی در بازار و عمارت‌های تاریخی

بهره‌برداری از حضور مهاجران خلاق و تنوع فرهنگی برای گسترش مشاغل خلاق و صنایع دستی

استفاده از فضاهای بایر و مغازه‌های متحرک برای راه‌اندازی بازارچه‌های خلاق و شبانه

توسعهٔ گردشگری فرهنگی با طراحی مسیرهای پیادهٔ هنری و تقویت پیوستگی فضایی از طریق مبلمان شهری تاریخی

استفاده از معماری بومی و مصالح منطقه‌ای برای ارتقای زیبایی‌شناسی فضاها و حفظ هویت تاریخی

۲- راهبردهای (WO)، کاهش ضعف‌ها با بهره‌گیری از فرصت‌ها

استفاده از مشارکت طراحان حرفه‌ای برای ارتقای کیفیت معماری و برطرف‌کردن اغتشاشات بصری

جذب سرمایه‌گذاران به منظور به‌سازی کالبدی و ساخت فضاهای فرهنگی با عملکرد چندگانه

آموزش و توانمندسازی محلی برای آگاهی‌بخشی دربارهٔ فرآیند بازآفرینی و افزایش مشارکت مردمی

ایجاد مراکز آموزش هنر، موسیقی و کارگاه‌های فرهنگی با بهره‌گیری از ظرفیت فضای بایر و زیرساخت‌ها

طراحی انرژی‌محور و پایدار در نوسازی ابنیه با استفاده از فناوری‌های نوین (مانند ذخیرهٔ انرژی خورشیدی)

۳- راهبردهای (ST)، استفاده از قوت‌ها برای مقابله با تهدیدها

·تأکید بر حفظ و نمایان‌سازی نشانه‌های شهری از طریق هدایت دید و کاهش انسداد بصری

بهره‌گیری از سرزندگی شبانه و امنیت زیاد برای مقابله با تهدید بی‌هویتی و اغتشاشات فرهنگی

تقویت فضاهای پیاده و هنرهای خیابانی برای افزایش خوانایی محدوده و جلوگیری از اختلال بصری

استفاده از ساختار فرهنگی موجود برای ارتقای خدمات هنری، دیجیتال و خلاق در محدوده

تنظیم ضوابط طراحی شهری متناسب با بناهای تاریخی برای جلوگیری از تهدیدات نوآوری بی‌ربط به بافت

٤- راهبردهای (WT)، کاهش ضعف‌ها و دوری از تهدیدها

تعریف چارچوب قانونی و طراحی نظام‌مند به منظور کنترل ارتفاع ساختمان‌ها و محافظت از خط آسمان

ارتقای کیفی زیرساخت‌های شهری برای کاهش فرسودگی و افزایش پایداری در برابر زلزله

هماهنگ‌سازی طراحی مسیرهای پیاده و دوچرخه بدون استفاده از حصارها برای حفظ پیوستگی

طراحی برنامه‌های فرهنگی – اجتماعی در مدارس و نهادهای محلی برای ترویج هنر و فرهنگ در نسل‌های آینده

جلوگیری از ناهماهنگی‌های فرهنگی با آموزش طراحی بافت‌محور و تأکید بر بافت تاریخی در توسعه‌ها

ماتریس تحلیل این سوات نشان می‌دهد نحوهٔ مداخله در محدوده رقابتی است و می‌توان گفت محدودهٔ مدنظر دارای نقاط قوت و پتانسیل‌های زیادی در مقابل ضعف‌ها و تهدیدهای محدوده دارد و از این پتانسیل‌ها می‌توان به مواردی همچون وجود بازار تاریخی به مثابهٔ مرکز تجاری و قوی‌ترین مرکز توریستی، حضور نشانه‌های قوی تاریخی، امکان احیا و ابقای استخوان‌بندی تاریخی، افزایش بهره‌وری اقتصادی و تقویت فعالیت‌های فرهنگی و تفریحی با استفاده از وجود مکان‌های تجاری اشاره کرد. با این حال، بی‌توجهی به فرصت‌های محدود موجود در محدوده ممکن است از میزان موفقیت در طراحی و برنامه‌ریزی محدوده بکاهد.

جدول ۵- جدول ماتریس IE (منبع: نگارندگان)

ماتریس IE	نمرهٔ EFAS
	۱/۰ – ۱/۹۹
نمرهٔ IFAS	
۱/۰– ۱/۹۹	WT
۲/۰ – ۲/۹۹	ST/WT
۳/۰ – ٤/۰	**WO**

با توجه به نمره‌های بالا، محدوده در موقعیت راهبردی رقابتی (SO) قرار دارد که به معنای پتانسیل زیاد برای استفاده از نقاط قوت داخلی برای بهره‌گیری از فرصت‌های محیطی است.

جدول ٦- مؤلفه‌های دست‌یابی به صنایع خلاق در محدودهٔ مورد مطالعه (منبع: نگارندگان)

مؤلفه‌های کلی	مؤلفه‌های اجرایی
برندسازی	توجه به اصالت در حفاظت و مدیریت میراث فرهنگی
	رشد صنعت گردشگری و اشتغال محلی
	تلفیق محل کار و زندگی
	قانونمندکردن میراث فرهنگی و تاریخی
	تدوین چارچوبی برای اقدامات مداخله‌گرانه
	تداوم سازمان فضایی کهن
سرمایه‌گذاری اقتصادی	به‌سازی اراضی بایر
	سوق منافع فردی به جمعی
	تسهیل در قوانین و مقررات
	اعطای یارانه، تخصیص اعتبارات خاص و معافیت‌های مالیاتی برای انجام طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری مهم
	تصویب قانون تشویقی و حمایتگر از سرمایه‌گذاری خارجی
ایجاد یا تغییر کاربری	معاصرسازی فضای شهری به منظور ارتقای صنعت گردشگری
	معاصرسازی و احیای تجهیزات زیرساختی شهر کهن
	بازگشت به فضای عمومی و خیابان‌ها
	از بین بردن کاربری‌های ناسازگار و جایگزینی آنها با کاربری‌های به‌روز
	تدابیر زیست‌محیطی و بهداشتی کاربری‌ها
صنایع خلاق	توزیع مناسب فضاهای فعال شبانه
	مهاجرت و تجمع شبکهٔ طبقهٔ خلاق
	استفاده از سیاست‌های حمایتی دولت برای ایجاد خردفضاها به منظور حضور هنرمندان
	افزایش میزان رشد گالری‌ها، موزه‌ها و نمایشگاه‌های صنایع دستی
	افزایش کیفیت محیطی محله
	آزادی و تنوع فرهنگی در محدوده
ارزش اقتصادی	بهبود چرخهٔ تولید و ارائهٔ محصولات
	ایجاد ارتباط با سرمایه‌داران
	ایجاد مشاغل خلاق برای حضور در عرصهٔ رقابت
	رقابت میان مکان‌های خصوصی به منظور ارتقای کیفیت
	حفاظت از بناهای تاریخی و ارزشمند
ایجاد اقتصاد فرهنگی	ایجاد تنوع جنسی، قومیتی و فرهنگی و ادغام فرهنگ‌ها
	ایجاد خرده‌فرهنگ‌های فعال و پررونق
	افزایش تعداد و در دسترس بودن سازمان‌های فرهنگی و کتابخانه‌های هوشمند
	ایجاد بوروکراسی خلاق و افزایش سطح سواد شهروندان
	توجه به ساختارشکنی‌های هنری و نوآورانه
فعالیت‌های اقتصادی درون بافت	ایجاد نواحی نوآور در آمیختگی با فرهنگ شهری
	ایجاد کاربری‌های چندمنظوره
	ایجاد دسترسی آسان از طریق بهبود سلسله‌مراتب دسترسی و حمل‌ونقل عمومی
	حضور انبوه استارتاپ‌ها
	شبکه‌های محلی و تعامل بین آنها
	گستردگی جمعیت تولیدکنندگان کوچک با اشتغال‌زایی درون‌زا

نتیجه‌گیری

بافت‌های تاریخی شهری، به ویژه در کلان‌شهرهای ایران، با وجود برخورداری از ظرفیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جالب توجه، در دهه‌های اخیر تحت تأثیر مداخلات نامنسجم، ضعف در حکمرانی شهری و غفلت از اقتصاد محلی، با افول عملکردی و کالبدی مواجه شده‌اند. پژوهش حاضر با تمرکز بر محدودهٔ پیرامون مسجد کبود تبریز، امکان‌پذیری بازآفرینی پایدار با تأکید بر اقتصاد خلاق و بومی‌سازی رویکردهای نوین توسعهٔ شهری را ارزیابی می‌کند تا از این طریق بتواند راهکاری مطمئن و پاسخ‌گو در راستای توسعهٔ منطقه و جلوگیری از افول آن ارائه دهد.

نتایج حاصل از تحلیل توصیفی – تحلیلی و تکنیک سوات نشان می‌دهد با وجود فرصت‌هایی همچون عناصر شاخص تاریخی، موقعیت راهبردی، قابلیت برندسازی شهری، حضور صنایع فرهنگی بالقوه و پتانسیل ارتقای گردشگری در این منطقه، ضعف در زیرساخت‌ها، فقدان مشارکت شهروندان و بی‌توجهی به فرهنگ و اقتصاد در سیاست‌گذاری‌ها، از موانع اصلی دست‌یابی به این ظرفیت‌ها به شمار می‌روند.

الگویی که می‌تواند در تدوین سیاست‌ها و اقدامات اجرایی مؤثر واقع شود، متشکل از مؤلفه‌هایی همچون برندسازی شهری، پیوند گردشگری با صنایع خلاق، سرمایه‌گذاری هدفمند، بازتعریف کاربری‌های ناکارآمد، نهادینه‌سازی اقتصاد فرهنگی و توسعهٔ فعالیت‌های اقتصادی بومی است. تحقق این الگو در گرو تدوین سیاست‌های یکپارچه بین نهادهای شهری، طراحی مشوق‌های قانونی و مالی برای سرمایه‌گذاران خلاق، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و استارتاپ‌های فرهنگی، آموزش نیروهای محلی و ارتقای سواد فرهنگی ساکنان بافت است. همچنین، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند گردشگری هوشمند، طراحی انرژی‌محور، و توسعهٔ فضاهای تعاملی، می‌تواند نقشی مؤثر در افزایش جذابیت و بهره‌وری فضاهای تاریخی ایفا کند.

در این میان، محور امام خمینی به عنوان ستون‌فقرات عملکردی محدوده، از پتانسیل زیادی برای تبدیل‌شدن به یک کریدور فرهنگی – اقتصادی برخوردار است. تحقق این هدف از طریق احیای جداره‌های تاریخی، توسعهٔ فضاهای فرهنگی، فعال‌سازی فعالیت‌های اقتصادی درون‌بافتی و شکل‌گیری نواحی خلاق، امکان‌پذیر خواهد بود.

این مدل بومی‌شده می‌تواند با پیوند میان میراث تاریخی و نوآوری اجتماعی، مسیر تحقق شهر خلاق ایرانی را هموار کند و الگویی کاربردی به عنوان مرجع سیاست‌گذاری برای بازآفرینی سایر بافت‌های تاریخی کشور ارائه دهد.

منابع

آیینی، محمد، ذبیحی، حسین، و سعیده زرآبادی، زهراسادات (۱۳۹۸). بررسی چالش‌های نظام مدیریت شهری در شهرهای جدید ایرانی. *فصلنامهٔ اقتصاد و مدیریت شهری، ۷*(۳). https://civilica.com/doc/1159762

اطهاری، کمال (۱۳۹۸). اقتصاد شهری و اقتصاد شهر در ایران. *اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری*، ۲، ٥٦. https://www.magiran.com/p811976

اکبری، پرویز، حبیبی، کیومرث، و احمدی، ملیحه (۱٤۰۱). تبیین و ارزیابی بازآفرینی اقتصاد مبنای فضاهای خلاق شهری مستعد توسعه با رویکرد برندسازی (مطالعهٔ موردی: شهر سنندج. *مجلهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری*، ۹(۱)، ۳۳-۵۲. https://doi.org/10.22067/jgusd.2021.47427

ایزدی، آرزو، ناسخیان، شهریار، و محمدی، محمود (۱۳۹۷). تبیین چارچوب مفهومی بازآفرینی پایدار بافت‌های تاریخی (بررسی اسناد، بیانیه‌ها و منشورهای بازآفرینی). *مطالعات باستان‌شناسی پارسه*، ۲(٦)، ۱٦۱–۱۷۷. https://sid.ir/paper/513663/fa

پوراحمد، احمد، و احمدی‌فرد، نرگس (۱۳۹۷). بررسی نقش گردشگری خلاق در بازآفرینی بافت تاریخی (مطالعهٔ موردی: منطقهٔ ۱۲ شهر تهران. *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ٦(۱)، ۷۵-۹۰. https://sid.ir/paper/261244/fa

پوراحمد، احمد، حبیبی، کیومرث، و کشاورز، مهناز (۱۳۸۹). سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت های فرسوده شهری. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱(۱)، ۷۳-۹۲. https://sid.ir/paper/177341/fa

تاجیک، زهره، پورموسوی، سیدموسی، و سرور، رحیم (۱۳۹۸). بازآفرینی اقتصادی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری با رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی؛ مطالعهٔ موردی: منطقهٔ ۱۰ شهر تهران. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۹، ۵۳-٦۵. https://sid.ir/paper/363960/fa

خاوری، زهرا، و خاوری، راضیه (۱۳۹۰). بررسی تأثیر شاخص‌های سرمایهٔ اجتماعی بر وضعیت اقتصادی محله؛ مطالعهٔ موردی: محلهٔ طلاب. *مدیریت شهری*، ۹(ویژه‌نامه)، ۲۷۷–۲۹۷. https://sid.ir/paper/489264/fa

رفیعیان، مجتبی، و رضوی، حامده (۱۳۸۹). ارتقای کیفیت محیط شهری با استفاده از رویکرد برنامه‌ریزی طراحی‌محور: (تئاتر شهر و پهنهٔ پیرامون). *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۲(۲)، ۲٦۹–۲۸۷. https://hsmsp.modares.ac.ir/article-21-1226-fa.pdf

شبانی، امیرحسین، و ایزدی، محمدسعید (۱۳۹۳). رویکردی نوین به بازآفرینی شهر خلاق. *نقش جهان*، ٤(۲)، ٥٤-٦٣. https://sid.ir/paper/500604/fa

شفیعا، سعید (۱۳۹۲). تحلیل تأثیرات سرمایهٔ اجتماعی فعالان اقتصادی بر پایداری یک جامعهٔ غیررسمی (مطالعهٔ موردی: محلهٔ شمیران نو. *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*. ۱۳ (٤)، ۷۹-۱۰۲. http://ecor.modares.ac.ir/article-18-10826-fa.html

صحراییان، زهرا، و موحد، علی (۱۳۹٦). تحلیل و شناسایی پهنه‌های زمینه‌ساز توسعهٔ خلاق بافت‌های فرسوده با تأکید بر گردشگری (مطالعهٔ موردی: محلهٔ فهادان شهر یزد. *آمایش جغرافیایی فضا*، ۷(۲)، ۳۱-٤۷. https://sid.ir/paper/358391/fa

عباس‌زادگان، مصطفی، و رضوی، حامده (۱۳۸۵). اتخاذ رویکردی نوین برای طرح‌های توسعهٔ شهری: برنامه‌ریزی طراحی‌محور. *هنرهای زیبا*، ۲۸. https://journals.ut.ac.ir/article_17079.html

عزیزی، محمدمهدی، و ارباب، پارسا (۱۳۸۷). چالش هویت در شهرهای جدید. مجلهٔ هفت شهر، ۲۵، ۱٤۸-۱۵۳. https://www.magiran.com/p1218050

علی‌محمدی، غلامرضا، و عبدالهی، رکسانا (۱۳۹۷). تبیین مبانی نمود فرهنگ در معماری بومی ایران و ارتباط آن با ایجاد حس تعلق به مکان. *مدیریت شهری*، ۱۷، ۳۳-٤٦. https://sid.ir/paper/91917/fa

فلامکی، محمدمنصور (۱۳۸۷). باززنده‌سازی *بناها و شهرهای تاریخی*. مؤسسهٔ چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

کاظمی، امیر، و مظفری، شاهین (۱۳۹۸). بررسی رابطهٔ تبلیغات شهری و آگاهی از حقوق شهروندی. *مطالعات مدیریت شهری*، ۳۹(۱۱)، ۱۹-۳۳. https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1644934

کلانتری، محسن، زیاری، کرامت الله، ابدالی، یعقوب، الله قلی‌پور، سارا، و صادقی، علیرضا (۱۳۹۵). بازآفرینی شهری و ارتقای سرمایهٔ اجتماعی در مناطق فرسودهٔ شهری. *فصلنامهٔ مطالعات مدیریت شهری*، ۸(۱)، ۵۰-٦۸. https://civilica.com/doc/1707615

کریم‌زاده، علی، شهریاری، سید کمال الدین، و اردشیری، مهیار (۱۳۹٦). تبیین سیاست‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بازآفرینی شهری فرهنگ‌محور (با تأکید بر تجارب بازآفرینی شهری استانبول ترکیه. *هویت شهر*، ۱۱، ۹۵-۱۰٦. https://sid.ir/paper/154702/fa

کوچکی مطلق، زهرا (۱۳۹٦). مطالعهٔ تطبیقی دو شهر خلاق در حوزهٔ صنایع دستی از نگاه گردشگران (مطالعهٔ موردی: شهرهای اصفهان و هانگزو) [پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد]. دانشگاه علم و فرهنگ تهران، دانشکدهٔ گردشگری. https://ganj.irandoc.ac.ir

لطفی، سهند (۱۳۹۰). بازآفرینی شهری فرهنگ‌مبنا: تأملی بر بن‌مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی. *نشریهٔ هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی*، ۳، ٤۹-٦۲. https://civilica.com/doc/1779954

محمدی، عرفان، رضایی مهردار، لیلا، و سیلوایه، سیامک (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل تأثیر نور در معماری فضاهای آموزشی. *معماری‌شناسی*، ۱(۱)، ۱-٦. https://sid.ir/paper/514048/fa

مؤیدفر، سعیده، و صابری، محمدرضا (۱۳۹۹). آینده‌پژوهی در بافت تاریخی با رویکرد توسعهٔ پایدار (مطالعهٔ موردی: برزن شش بادگیری یزد. *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۸(۱)، ۱۳۷-۱۵۹. https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2020.287653.1147

میرسیدی، ساحره. (۱۳۹۵). *توسعهٔ اقتصادی در بازآفرینی شهری*. نهمین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد و مدیریت، اهر. https://civilica.com/doc/599648

هیث، تیم، استیون، تیزدل، و اک، تنر (۱۳۸۸). *احیای محله‌های تاریخی شهرها* (سمانه ساریخانی، مترجم، چاپ اول). انتشارات: نوید شیراز، با حمایت شرکت عمران و مسکن سازمان استان فارس.

References

Abbaszadegan, M., & Razavi, H. (2006). Adopting a new approach to urban development plans: Design-oriented planning. *Fine Arts Journal*, *28*. https://journals.ut.ac.ir/article_17079.html [In Persian]

Aeenii, M., Zabihi, H., & Zarrabadi, Z. S. (2019). Investigating the challenges of the urban management system in Iranian new towns. *Urban Economics and Management Quarterly*, *7*(3). https://civilica.com/doc/1159762 [In Persian]

Akbari, P., Habibi, K., & Ahmadi, M. (2022). Explaining and evaluating economy-based urban regeneration of creative spaces prone to development with branding approach (Case study: Sanandaj city). *Journal of Geography and Urban Development*, *9*(1), 33–52. https://doi.org/10.22067/jgusd.2021.47427.0 [In Persian]

Alimohammadi, G., & Abdollahi, R. (2018). Explaining the foundations of cultural representation in Iran's vernacular architecture and its relation to sense of place. *Urban Management*, *17*, 33–46. https://sid.ir/paper/91917/fa [In Persian]

Athari, K. (2011). Urban economics and city economy in Iran. *Journal of Urban Economics and Planning*, *2*, 56. https://www.magiran.com/p811976 [In Persian]

Azizi, M., & Arbab, P. (2008). Identity challenges in new towns. *Haft Shahr Journal*, *25–26*, 153. https://www.magiran.com/p1218050 [In Persian]

Bærenholdt, J. O., & Aarsæther, N. (2002). Coping strategies, social capital and space. *European*

Howkins, J. (2001). *The creative economy: How people make money from ideas* (1st ed.). Penguin. https://www.researchgate.net/publication/247822555_The_Creative_Economy_How_People_Make_Money_from_Ideas

Howkins, J. (2007). *The creative economy: How people make money from ideas* (Rev. ed.). Penguin https://www.researchgate.net/publication/247822555_The_Creative_Economy_How_People_Make_Money_from_Ideas

Hung, G.-T., & Hong, H.-Y. (2017). Fostering innovation-oriented cultural views among college students through knowledge-building pedagogy. *Learning: Research and Practice*, *3*(2), 168–182. https://doi.org/10.1080/23735082.2017.1341053

Inter-American Commission on Human Rights. (2004). *Annual report 2004: Chapter II – Human rights developments in the region*. Organization of American States (OAS). https://www.cidh.org/annualrep/(2004)eng/chap.2a.html

Izadi, A., Nasekhian, S., & Mohammadi, M. (2019). Explaining of the conceptual framework for sustainable regeneration of historical fabric (Reviewing documents, statements and regeneration charters). *Parseh Journal of Archaeological Studies*, *2*(6), 161–177. https://sid.ir/paper/513663/fa [In Persian]

Jucevičius, G. (2007*). Inovatyvūs miestai ir regionai [Innovative cities and regions]*. Kaunas: Technologija. ISBN: 9789955251828.

Karimzadeh, A., Shahriyari, S. K., & Ardeshiri, M. (2017). Explaining cultural policies influencing culture-oriented urban regeneration (With emphasis on Istanbul urban regeneration experiences). *Journal of Urban Identity*, *11*, 95–106. https://sid.ir/paper/154702/fa [In Persian]

Karnitis, E. (2006). A knowledge-based human-centred growth model for Latvia. *Journal of Business Economics and Management*, *7*(2), 95–101. https://doi.org/10.1080/16111699.2006.9636129

Kalantari, M., Ziari, K. A., Abdali, Y., Allahgholipour, S., & Sadeghi, A. (2018). Spatio-temporal analysis of theft-related crimes in inefficient urban textures: A case study of the central part of Tehran. *Geography and Spatial Development Quarterly*. Retrieved from https://civilica.com/doc/1707615 [In Persian]

Kazemi, A., & Mozafari, S. (2019). Investigating the relationship between urban advertising and awareness of citizen rights. *Urban Management Studies*, *39*(11), 19–33. https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1644934 [In Persian]

Khamel, V., Zhao, S. (2015). Arrangement of financing for highway infrastructure projects under the conditions of Public–Private Partnership. *IATSS Research*, *39*(2), 138-145. https://doi.org/10.1016/j.iatssr.2015.05.002

Khavari, Z., & Khavari, R. (2011). Investigating the impact of social capital indicators on neighborhood economic status: Case study of Talab *Urban and Regional Studies*, *9*(2), 151–165. https://doi.org/10.1177/096977640200900204

Benedict, R. (2005). *Landscape and Urban Planning: The Role of Nature in Cities. Wiley*. https://doi.org/10.1093/acrefore/9780199389414.013.23

Bianchini, F., & Parkinson, M. (1993). *Cultural policy and urban regeneration: The West European experience*. Manchester University Press. https://books.google.com/books?id=N327AAAAIAAJ

English Heritage. (2008). English Heritage annual report and accounts 2007 to 2008. UK Government. https://www.gov.uk/government/publications/english-heritage-annual-report-and-accounts-2007-to-2008

Evans, G. (2001). *Cultural planning: An urban renaissance?*. Routledge. https://books.google.com/books/about/Cultural_Planning.html?id=LVpIIHrUOZEC

Falamaki, M. M. (2008). *Revitalization of historic buildings and cities*. Tehran University Press. [In Persian]

Farouk Hassan, G., Rashed, R., & Mohsen El Nagar, S. (2022). Regenerative urban heritage model: Scoping review of paradiams' progression. *Ain Shams Engineering Journal*, *13*, Article 101652. http://dx.doi.org/10.1016/j.asej.2021.101652

Fine, G. A. (1979). Small groups and culture creation: The idioculture of Little League baseball teams. *American Sociological Review*, *44*(5), 733–745. https://doi.org/10.2307/2094525

Florida, R. (2002). *The Rise of the Creative Class: And How It's Transforming Work, Leisure, Community and Everyday Life*. London: Basic Books. https://doi.org/10.2307/3552294

Florida, R. (2005a). *Cities and the Creative Class*. Routledge. https://doi.org/10.1111/1540-6040.00034

Florida, R. (2005b). *The Flight of the Creative Class. HarperBusiness*. ISBN: 006075690X

Gunay, Z., & Dokmeci, V. (2008). Culture-led regeneration of Istanbul waterfront: Golden Horn Cultural Valley Project. *Canadian Journal of Economics*, *41*(3), 998–1014. https://doi.org/10.1111/j.1540-5982.2008.00462.x

Hartley, J. (2005). *Creative Industries*. Wiley-Blackwell. https://www.thriftbooks.com/w/creative-industries_john-hartley_williams-john-hartley/17227117/#edition=18107365&idiq=22931414

Heath, T., Tiesdell, S., & Oc, T. (2009). *Revitalizing Historic Neighborhoods in Cities* (S. Sarikhani, Trans., first Ed.). Publications: Navid Shiraz, with the support of the Fars Province Development and Housing Organization Company. [In Persian]

Horkheimer, M., & Adorno, T. (1944). *Dialectic of Enlightenment*. Stanford University Press. https://www.researchgate.net/publication/328538220_Horkheimer_and_Adorno's_Dialectic_of_Enlightenment

Montgomery, J. (2004). *The Urban Experience: Economics, Policy, and Planning*. Wiley.

Naranjo-Valencia, J. C., Jiménez-Jiménez, D., & Sanz-Valle, R. (2016). Studying the links between organizational culture, innovation, and performance in Spanish companies. *Revista Latinoamericana de Psicología*, *48*(1), 30–41. https://doi.org/10.1016/j.rlp.2015.09.009

Petrov, A. (2011). Beyond spillovers: Interrogating innovation and creativity in the peripheries. In H. Bathelt, M. Feldman, & D. F. Kogler (Eds.), *Beyond territory: Dynamic geographies of innovation and knowledge creation* (pp. 168–190). Routledge. https://doi.org/10.4324/9780203814871

Pourahmad, A., & Ahmadi-Fard, N. (2018). Investigating the role of creative tourism in the regeneration of historic urban fabrics (Case study: District 12 of Tehran). *Journal of Urban Planning Geography Research*, *6*(1), 75–90. https://sid.ir/paper/261244/fa [In Persian]

Pourahmad, A., Habibi, K., & Keshavarz, M.(2010). The evolution of the conceptualization if urban regeneration as a new approach in deteriorated urban fabrics. *Iranian-Islamic Urban Studies*, *1*(1), 73-92. https://sid.ir/paper/177341/fa [In Persian]

Rafieian, M., & Razavi, H. (2010). Enhancing the quality of the urban environment using the design-oriented planning approach: (Case of Tehran City Theater and its surroundings). *Spatial Planning and Land Use*, *2*(2), 269–287. https://hsmsp.modares.ac.ir/article-21-1226-fa.pdf [In Persian]

Roberts, M., Klaus, G., & Alistair, M. (2022). Urban residents value multi-functional urban green spaces. *Urban Forestry & Urban Greening, 74*. https://doi.org/10.1016/j.ufug.2022.127681

Scott, A. J. (2006). Creative cities: Conceptual issues and policy questions. *Journal of Urban Affairs, 28*(1), 1–17. https://doi.org/10.1111/j.0735-2166.2006.00256.x

Shabani, A. H., & Izadi, M. S. (2014). A new approach to creative city regeneration. *Naqsh-e Jahan*, *4*(2), 54–63. https://sid.ir/paper/500604/fa [In Persian]

Sahrayan, Z., & Moahhed, A. (2017). Analysis and identification of zones enabling creative development of deteriorated urban fabrics with emphasis on tourism (Case study: Fahadan neighborhood, Yazd). *Geographical Spatial Planning, 7*(26), 31–47. Retrieved from https://sid.ir/paper/358391/fa [In Persian]

Shafia, S. (2014). An analysis of social capital effects of the economic activists on sustainability of an informal community (New Shemiran case study). *The Economic Research (Sustainable Growth and Development), 13*(4). http://ecor.modares.ac.ir/article-18-10826-fa.html [In Persian]

Tajik, Z., Pourmousavi, S. M., & Sarvar, R.(2019). Economic regeneration of deteriorated and inefficient urban fabrics through strategic planning approach: A case study of Distinct 10 of Tehran. *Journal of Iranian Islamic Urban Studies, 9*, 53-65. https://sid.ir/paper/363960/fa [In Persian]

neighborhood. *Urban Management, 9*(Special Issue), 277–297. https://sid.ir/paper/489264/fa [In Persian]

Koocheki Motlagh, Z. (2017). *A comparative study of two creative cities in the field of handicrafts from the tourists' perspective (Case study: Isfahan and Hangzhou)* [Master's thesis]. University of Science and Culture, Faculty of Tourism. https://ganj.irandoc.ac.ir [In Persian]

Kostof, S. (1991). *The city shaped: Urban patterns and meanings through history*. Thames and Hudson.

Kozina, J., Bole, D., & Tiran, J. (2021). Forgotten values of industrial city still alive: What can the creative city learn from its industrial counterpart? *Cities, 114*. https://doi.org/10.1016/j.ccs.2021.100395

Landry, C. (2000). *The creative city: A toolkit for urban innovators*. Earthscan Publications. https://www.researchgate.net/publication/238337354_The_Creative_City-A_Toolkit_for_Urban_Innovators

Landry, C. (2012). The creative city: Compelling and contentious. In H. K. Anheier & Y. R. Isar (Eds.), *Cities, cultural policy and governance* (pp. 122–135). SAGE Publications Ltd. https://doi.org/10.4135/9781446254523.n9

Landry, C., & Bianchini, F. (1995). *The creative city*. Demos. https://books.google.com/books?id=uulAbj7IKdIC

Lotfi, S. (2011). Culture-based urban regeneration: Reflections on cultural foundations and the practice of regeneration. *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning, 3*, 49–62. [In Persian] https://doi.org/20.1001.1.22286020.1390.3.45.5.7

Madanipour, A. (1996). *Design of urban space: An inquiry into a socio-spatial process*. Chichester, UK: John Wiley & Sons. https://www.academia.edu/126751068/Design_of_Urban_Space_An_Inquiry_into_a_Socio_Spatial_Process

Mirsayedi, S. (2016). Economic development in urban regeneration. In *The 9th International Conference on Economics and Management*, Ahar, Iran. Retrieved from https://civilica.com/doc/599648 .[In Persian]

Mitchell, D. (1995). The end of public space? People's Park, definitions of the public, and democracy. *Annals of the Association of American Geographers, 85*(1), 108–133. https://doi.org/10.1111/j.1467-8306.1995.tb01797.x

Moeidfar, S., & Saberi, M. R. (2020). Foresight in historical urban fabric with a sustainable development approach (Case study: Shesh Badgiri district of Yazd). *Journal of Urban Planning Geography Research, 8*(1), 137–159. Retrieved from https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2020.287653.1147 [In Persian]

Mohammadi, E., Rezaei Mehrdar, L., & Silvaye, S. (2018). Study and analysis of the effect of light on the architecture of educational spaces. *Architectural Studies, 1*(1), 1-6. https://sid.ir/paper/514048/fa [In Persian]

Voswinkel, S. (2012). ‘Recognition’ and ‘interest’: a multidimensional concept in the sociology of work. *Distinktion: Journal of Social Theory*, *13*(1), 21–41. https://doi.org/10.1080/1600910X.2012.640594

Zukin, S. (1998). Urban lifestyles. *Urban Studies*, *35*(5-6), 825–839. https://doi.org/10.1080/0042098984389

پیوست ۱

این جدول مربوط به امتیاز های جدول سوات است.

جدول ۱- جدول امتیازبندی سوات (منبع: نگارندگان)

GRADE	SWOT	GRADE	SWOT	GRADE	SWOT	GRADE	SWOT
٤	T1	٤	O1	٤	W1	٤	S1
٥	T2	٥	O2	٢	W2	٢	S2
٤	T3	٤	O3	٢	W3	٣	S3
٤	T4	٤	O4	٣	W4	٢	S4
٢	T5	١	O5	٢	W5	٣	S5
٢	T6	٢	O6	٢	W6	٣	S6
		٢	O7	٢	W7	٥	S7
		٤	O8	٤	W8	٣	S8
		٣	O9	٣	W9	٤	S9
		٥	O10	٣	W10	٥	S10
				٤	W11	٣	S11
				٥	W12		
				٥	W13		

پیوست ۲ (منبع: نگارندگان)

پرسشنامهٔ ارزیابی عوامل مؤثر بر بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی مسجد کبود تبریز

پایه‌سازی تحلیل سوات (SWOT)

مقدمه: پرسشنامهٔ حاضر با هدف ارزیابی عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) و عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) مؤثر بر فرآیند بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی پیرامون مسجد کبود تبریز طراحی شده است. از پاسخ‌دهندگان محترم که در حوزه‌های شهرسازی، معماری، میراث فرهنگی، برنامه‌ریزی شهری و گردشگری تخصص دارند درخواست می‌شود با توجه به تجربهٔ حرفه‌ای و دانش تخصصی خود، گزینه‌های ارائه‌شده را بر اساس **اهمیت و اولویت آنها در محدودهٔ مطالعه‌شده** ارزیابی کنند.

دستورالعمل:

- **وزن نسبی (اهمیت):** عددی بین ۰/۰۰ و ۱/۰۰ که نشان‌دهندهٔ میزان اهمیت هر عامل نسبت به سایر عوامل همان دسته است.
- **امتیاز اثربخشی:** عددی بین ۱ تا ٤ که نشان‌دهندهٔ میزان تأثیر آن عامل بر موفقیت یا عدم موفقیت بازآفرینی خلاق در محدودهٔ مورد مطالعه است:
  - ۱= تأثیر بسیار ضعیف
  - ۲= تأثیر ضعیف
  - ۳= تأثیر متوسط
  - ٤= تأثیر زیاد

بخش اول: عوامل داخلی

۱-۱. نقاط قوت (Strengths)

۱-۲. نقاط ضعف (Weaknesses)

جدول ۲- جدول امتیازبندی سوات (منبع: نگارندگان)

			وزن نسبی (۱-۰)	امتیاز (۴-۱)
داخلی	قوت	وجود مغازه‌های متحرک که باعث ایجاد اشتغال شبانه می‌شوند.		
		تعادل بین توده و فضا و تراکم متوسط در محدودهٔ مداخله با توجه به بناهای تاریخی		
		وجود دسترسی مستقیم به کاربری‌های شهری به دلیل شریانی بودن محور		
		عرض مناسب پیاده‌رو برای عبورومرور و برخورداری از مسیر دوچرخه در خیابان امام		
		وجود دسترسی مناسب به ایستگاه‌های مترو شهید بهشتی و ساعت و ایستگاه‌های بی‌آرتی، همچنین برخورداری از پارکینگ‌های عمومی طبقاتی (آرین، عتیق، تربیت، خاقانی و کوثر و...) در حوزهٔ مورد مطالعه		
		وجود بناها به عنوان نشانه‌های شهری مانند عمارت ساعت موزه آذربایجان و ...		
		استفاده از معماری تاریخی به ویژه ویژگی‌های منطقه‌ای در هر طرح که باعث جذب گردشگر خلاق می‌شود.		
		وجود مهاجران خلاق در طرح‌های بررسی‌شده و ایجاد تنوع فرهنگی بارز در محدوده‌های طراحی		
		وجود سرزندگی فرهنگی در محدوده‌های بازطراحی‌شده با توجه به وجود فعالیت‌های شبانه‌روزی و تنوع در جنس و سن ساکنان		
		وجود امنیت با توجه به توزیع مناسب فضاهای شبانه روزی در بیشتر نقاط طرح‌های بررسی‌شده		
		وجود هنرهای اجرایی و بستری هنری برای حرکت ناخودآگاه پیاده از فضایی به فضای دیگر در بیشتر طرح‌ها		
	ضعف	نبود مشارکت کافی مردمی در بیشتر طرح‌ها که از نبود اطلاعات کافی ساکنان از فرایند بازآفرینی و بازسازی نشئت گرفته است.		
		زیاد بودن تعداد طبقات (بیش از ۱۰ طبقه) در برخی از نقاط و شکستن خط آسمان و حریم ارتفاعی بناهای تاریخی		
		مقیاس غیرانسانی بر برخی از نقاط محدوده همچون میدان منصور		
		فرسودگی کالبدی ابنیهٔ بافت		
		عدم پراکنش صحیح کاربری درمانی و فضای سبز در محدوده		
		جداسازی مسیر پیاده و دوچرخه به وسیلهٔ نرده و حصارهای جداکننده		
		از بین رفتن ریتم مناسب خط آسمان در برخی از نقاط به دلیل کاهش تعداد طبقات و وجود ساختمان‌های بلند در حریم آثار تاریخی		
		فقدان استحکام کافی ساختمان‌ها در برابر زلزله		
		استفاده از سوخت‌های تجدیدناپذیر و آلوده‌کنندهٔ هوا، آلودگی صوتی ناشی از ناوگان فرسوده		
		نامناسب بودن کف‌سازی معابر به ویژه معابر محلی، قرارگیری در تیپ اقلیمی سرد و معتدل با زمستان های طولانی		
		نبود آموزش‌وپرورش هنر و فرهنگ در بیشتر طرح های مطالعه‌شده سبب کاهش سرعت فرایند شکل‌گیری محلات خلاق می‌شود.		
		بی‌توجهی به مشاغل کوچک و صنایع دستی در چندی از محدوده‌های بررسی‌شده بازه فعالیت‌های فرهنگی را کاهش می‌دهد و سبب بروز مشکل در جذب ساکنان خلاق می‌شود.		
		نبود مشاغل خلاق در تمامی طرح‌ها و سبب شدن آن به کاهش حضور در عرصه‌های رقابت		

بخش دوم: عوامل خارجی

۲-۱. فرصت‌ها (Opportunities)

۲-۲. تهدیدها (Threats)

جدول ۳- جدول امتیازبندی سوات (منبع: نگارندگان)

			وزن نسبی (۱-۰)	امتیاز (۴-۱)
خارجی	فرصت	استفاده از طرح‌های نوسازی که در بافت‌های فرسوده سبب توسعهٔ فرهنگی می‌شود.		
		توجه به رویدادهای فرهنگی و تاریخی و استفاده از این رویدادها در برگزاری فستیوال‌های مختلف و جذب گردشگر		
		نفوذپذیری زیاد در حوزهٔ بلافصل و دسترسی آسان به آن در محدودهٔ مداخله		
		امکان استفاده از مصالح بومی با هدف افزایش پیوستگی مناظر		
		امکان به‌کارگیری مبلمان متناسب با پس‌زمینهٔ تاریخی و فرهنگی در محدوده		
		امکان ذخیرهٔ انرژی خورشید به صورت موقت در پیل‌های الکترومغناطیسی		
		مجاورت محدوده با مناطق دارای بافت‌های تاریخی و مراکز گردشگری		
		استفاده از فضاهای بایر بافت فرسوده که از طریق جذب سرمایه‌گذاری سبب توسعهٔ کاربری‌ها می‌شود.		
		استفاده از پروژه‌های معماری و شهرسازی طراحی‌شده توسط طراحان باتجربه و برگزاری مسابقات برای شناسایی طرح بهینه		
		بازسازی بناهای تاریخی و حذف موانع قدیمی و استفادهٔ بهینه از آنها		
	تهدید	بی‌توجهی به نیازهای شهر هوشمند و خلاق مانند محدوده‌های نوآوری که در هیچ کدام از طرح‌ها یافت نشد.		
		بی‌توجهی به ساختارهای کهن که سبب ایجاد اختشاشات فرهنگی و بصری در فضاهای شهری می‌شود.		
		نبود توجه کافی به رشد خدمات و گونه‌های هنری و الکترونیکی در طرح‌های مطالعه‌شده سبب کاهش سرعت فرایند شکل‌گیری محلات خلاق می‌شود.		
		بی‌توجهی به اصول طراحی بهینهٔ انرژی در برخی از طرح‌های بررسی‌شده		
		احتمال کم‌رنگ‌شدن نشانه‌های مهم به دلیل انسداد بصری بناهای مهم تاریخی		
		احتمال کاهش خوانایی محدوده به علت وجود اغتشاشات بصری		

اطلاعات تکمیلی پاسخ‌دهنده:

- نام و نام خانوادگی (اختیاری)..... :
- تخصص حرفه‌ای..... :
- میزان سابقهٔ کاری □ :زیر ۵ سال □۵-۱۰ سال □بیش از ۱۰ سال
- حوزهٔ فعالیت مرتبط با پروژه: □ مدیریت شهری □ طراحی شهری □ مرمت و میراث □ گردشگری □ سایر..... :

[i] Farouk Hassan
[ii] UN-HABITAT
[iii] Purposeful sampling